

تأثیر بودجه بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد:

یک تجزیه و تحلیل استانی

رضا محسنی *

حسین صمصامی مزرعه آخوند **

شادنوش شیخ شرفی ***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۴۰۲

چکیده

بودجه‌ریزی در اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی مواجه است. به‌طور کلی، بودجه دولت به دو بخش درآمدی و هزینه‌ای تقسیم می‌شود که بخش مصارف آن در بودجه عمومی دولت، به سه قسمت اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و تملک دارایی‌های مالی طبقه‌بندی می‌گردد. دو بخش مصارف هزینه‌ای و مخارج عمرانی، سهمی بالغ بر ۹۰ درصد از مصارف بودجه عمومی دولت را تشکیل می‌دهند. در مقاله حاضر، با استفاده از مبانی نظری و مطالعات تجربی مبتنی بر رهیافت داده‌های ترکیبی، طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۶ تأثیر چهار امور اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (اقتصادی، رفاهی، آموزشی و سلامت) در استان‌های مختلف، بر رشد اقتصادی استانی و ضریب جینی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی این مقاله که سبب تمایز آن از سایر مطالعات پیشین در این حوزه می‌شود، استفاده از داده‌های مصارف نهایی بودجه، در دو بخش اعتبارات هزینه و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به تفکیک استانی است. نتایج نشان می‌دهد که مخارج عمرانی نسبت به مخارج هزینه‌ای، تأثیر بیشتری بر روی رشد اقتصادی داشته‌اند. مصارف امور رفاهی در بخش اعتبارات هزینه‌ای، به کاهش فاصله طبقاتی کمک

* استادیار، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران،

ایران، (نویسنده مسئول). Email: re_mohseni@sbu.ac.ir.

** استادیار، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

*** کارشناسی ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

کرده است و همچنین برخلاف انتظار، توافق برجام، باتوجه به نداشتن تأثیر بر روی اشتغال، نتوانسته باعث بهبود فاصله طبقاتی در اقتصاد گردد.

واژه‌های کلیدی: اعتبارات عمرانی، اعتبارات هزینه‌ای، ضریب جینی، بودجه استانی، داده‌های ترکیبی

طبقه‌بندی JEL: C51, R12

مقدمه

هرساله دولت با تهیه و تنظیم بودجه و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی، میزان دخل و خرج خود را مشخص می‌نماید. این سند مالی، ترسیم‌کننده اهداف و مسیر دولت برای سال آتی است. باتوجه به اینکه بودجه از دو بخش منابع و مصارف تشکیل شده است (قانون بودجه، ۱۳۹۹)، سند مالی دولت، از طرق مختلف می‌تواند بر شاخص‌های کلان اقتصاد تأثیرگذار باشد. از آنجاکه یکی از مسائل مهم اقتصادی کشورها، دستیابی به سطح مطلوب تولید، رشد اقتصادی پایدار و همچنین توزیع درآمد مناسب است، حجم وسیعی از مطالعات به بررسی پدیده رشد و توزیع درآمدها اختصاص یافته است. همچنین، چگونگی و حجم دخالت دولت در اقتصاد، به‌ویژه از طریق بودجه عمومی دولت، یکی از مباحث مهم در بین کارشناسان اقتصادی است. همواره این سؤال مطرح است که گسترش دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی، تا چه اندازه می‌تواند برای کشورها مطلوب باشد و موجبات رشد و یا توزیع بهتر درآمدها را فراهم آورد (گرایی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). در این رابطه، ظهور و پیدایش رویکردهای نوینی از مدل‌های رشد، که موسوم به مدل‌های رشد درون‌زا هستند، موجب شده است تا نتایج مدل‌های رشد نئوکلاسیک، مبنی بر خنثی بودن نقش دولت در رشد اقتصادی، مورد تجدیدنظر قرار گیرد. در این مدل‌ها، دولت چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، می‌تواند روی نرخ‌های رشد بلندمدت مؤثر باشد. نتایج مطالعات تجربی در مورد تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی، نشان‌دهنده نتیجه‌گیری‌های متناقضی است. این تناقض می‌تواند به این علت باشد که مخارج دولت دارای طیف وسیعی است و اجزای مختلفی را شامل می‌شود. بدیهی است که کارکرد و تأثیر هریک از این اجزاء بر سایر متغیرهای اقتصادی، متفاوت است.

از آنجاکه رشد اقتصادی هدفی مطلوب برای اقتصاد است، لذا شناسایی عوامل موجب آن و شدت تأثیرگذاری هریک از آنها مورد مطالعه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران است. مطالعات حاکی است که مخارج دولت (بودجه جاری و عمرانی

کشور) در ایجاد و یا پایداری رشد تأثیر دارد و لذا دولت‌ها نیز، برای رسیدن به هدف رشد اقتصادی، توجه ویژه‌ای به آن نموده‌اند (محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱). اما از میزان اثرگذاری هریک از امور بودجه بر رشد، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست، تا بتوان به کمک آن، بودجه‌ریزی هدفمند انجام داد. علاوه‌براین، جهت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی کشورهای مختلف، در طول دو دهه اخیر، به توسعه انسانی، کاهش فقر و نابرابری نیز معطوف شده است و این موضوعات دغدغه اصلی در برنامه‌های توسعه کشورهای مختلف است. ازاین‌رو، حساسیت پیرامون ریشه‌ها و راهکارهای مواجهه با فقر و نابرابری و توزیع عادلانه درآمد، در برنامه‌ریزی اقتصادی، افزایش یافته است. اهمیت موضوع توزیع درآمد در ایران، از آنجایی سرچشمه می‌گیرد که طبق آخرین محاسبات مرکز آمار ایران، در سال ۹۸، ضریب جینی در ایران، به عدد ۳۹/۹۲ درصد رسیده است و بنابراین، باید راهکارهایی پیرامون بهبود آن اندیشیده شود.

براین‌اساس، در مقاله حاضر سعی شده است تا اثر مخارج دولت، در دو بخش مصارف هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، به تفکیک استان‌ها، بر رشد اقتصادی و ضریب جینی بررسی شود. لذا در ادامه، بعد از مقدمه در بخش اول، به بیان مسئله پرداخته شده است. مبانی نظری در بخش دوم ارائه شده است. در بخش سوم مقاله، ادبیات مسئله تشریح می‌گردد. روش‌شناسی و روش تحقیق در بخش چهارم مقاله معرفی می‌گردد. در بخش پنجم، یافته‌های پژوهش ارائه شده است و درنهایت، جمع‌بندی و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

۱. بیان مسئله

نظریات کینز در حوزه اقتصاد کلان و همچنین اهمیت بودجه‌ریزی در ایران سبب شده است که هر ساله، پژوهش‌های متعددی بر روی موضوع مصارف دولت و تأثیر آن بر شاخص‌های کلان اقتصادی انجام شود. بودجه سالیانه کشور، از سال ۱۳۹۴ تاکنون، به ۱۰ بخش مختلف شامل امور خدمات اجتماعی، امور دفاع و امنیتی، امور قضایی، امور اقتصادی، امور محیط‌زیست، امور مسکن، عمران شهری و روستایی، امور سلامت، امور فرهنگ و تربیت‌بدنی و گردشگری، امور آموزش و پژوهش و امور رفاه اجتماعی تقسیم‌بندی شده است. درحالی‌که از سال ۱۳۹۴ به قبل، مخارج دولت در چهار بخش (شامل امور عمومی، امور دفاع و امنیتی، امور اجتماعی و

فرهنگی، امور اقتصادی) تقسیم‌بندی شده است. به‌منظور دستیابی به این هدف، با استفاده از مطالعه انجام‌شده به‌وسیله نیبن و ویلکینز^۱ (۲۰۱۶) و داتن و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، به یکسان‌سازی مصارف هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بودجه پرداخته شده است.

باتوجه به اهمیت رشد اقتصادی در ایران، مطالعات متعددی در زمینه تأثیرگذاری مصارف دولت و بودجه بر رشد اقتصادی انجام شده است. اکثر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد که مخارج دولتی (بودجه جاری و عمرانی کشور) در ایجاد و یا پایداری رشد تأثیر دارد و لذا دولت‌ها نیز، برای رسیدن به هدف رشد اقتصادی، توجه ویژه‌ای به آن نموده‌اند (محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱). اما از میزان اثرگذاری هریک از بخش‌های بودجه بر رشد، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست، تا بتوان به کمک آن، بودجه‌ریزی هدفمند انجام داد. در این مقاله سعی شده است که به بررسی دقیق بخش‌های مختلف بودجه پرداخته شود تا بتوان این خلأ را تا حدودی در اقتصاد ایران، موردتوجه قرار داد. علاوه‌براین، جهت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی کشورهای مختلف، در طول دو دهه اخیر، به توسعه انسانی، کاهش فقر و نابرابری نیز معطوف شده است و این موضوعات دغدغه اصلی در برنامه‌های توسعه کشورهای مختلف است. ازاین‌رو، حساسیت پیرامون ریشه‌ها و راهکارهای افزایش رشد اقتصادی و به‌دنبال آن افزایش درآمد سرانه، در برنامه‌ریزی اقتصادی افزایش یافته است.

۲. مبانی نظری

۲.۱. عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران اقتصادی بوده است. رشد در ادبیات اقتصادی، همواره به‌عنوان یک هدف مطلوب برای کشورها معرفی می‌شود. همین امر باعث شد که محققان، به پژوهش در حوزه رشد اقتصادی بپردازند. سولو^۳ یکی از افراد معروفی بود که نظریه‌های رشد اقتصادی را بیان کرد. سولو به‌دنبال نظریه رشد هارود - دومار^۴، در مدل خود،

1. Kneebone and Wilkins

2. Dutton et al

3. Solow

4. Harrod-Domar

علاوه بر آنکه سرمایه و نیروی کار را در رشد اقتصادی مؤثر می‌داند، از تکنولوژی و یا به عبارت دیگر بهره‌وری نیز، به عنوان یک عامل مؤثر یاد می‌کند. علی‌رغم اینکه سولو بهترین چهارچوب را برای آغاز مبحث مدل‌های رشد اقتصادی ارائه کرده بود، این مدل، از همان آغاز، ضعف‌هایی داشت که ارائه مدل‌های بهتر و کامل‌تر را ضروری و اجتناب‌ناپذیر ساخته بود. یکی از ایرادات مدل سولو آن است که نرخ پس‌انداز را برون‌زا و خارج از تصمیمات حداکثرسازی افراد در نظر گرفته است. همین نکته سبب شده بود که مخارج دولت در مدل سولو، تأثیر چندانی بر افزایش تولید و رشد اقتصادی نداشته باشد. این مسئله تاحدودی، بعدها به وسیله رمزی - گاس - کوپمنز^۱ اصلاح شد، ولی این امر، تغییری در نتایج اساسی مدل سولو، مبنی بر وابسته بودن نرخ رشد بلندمدت به عامل برون‌زای تکنولوژی، به وجود نیاورد. درواقع، مهم‌ترین ایراد مدل سولو این است که تفاوت نرخ‌های رشد اقتصادی جوامع را با عامل برون‌زایی به نام «ترخ تغییرات فنی» توجیه می‌کند، بدون آنکه ماهیت و سازوکار تغییرات این عامل را به خوبی مشخص سازد.

از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی و در جهت اصلاح مدل رشد سولو، برخی از اقتصاددانان شروع به ساختن مدل‌هایی کرده‌اند که در آنها فرض‌هایی مانند بازدهی‌های نزولی سرمایه، فرض برون‌زا بودن تغییرات فنی (رومر^۲، ۱۹۸۶) و فرض هم‌گرایی بازدهی‌های فردی و اجتماعی و وجود آثار خارجی کنار گذاشته شده است. این مدل‌ها که در ادبیات اقتصادی به مدل‌های رشد درون‌زا و یا مدل‌های رشد جدید معروف هستند، علاوه بر آنکه امکان توجیه و تفسیر رشدهای بلندمدت را بدون اتکا به عامل برون‌زای تکنولوژی به وجود می‌آورند، نتایج سیاستی کاملاً متفاوتی نسبت به مدل رشد سولو دارند. برخلاف پیش‌بینی‌های مدل سولو، مبنی بر خنثی بودن فعالیت‌های دولت در تأثیرگذاری بر نرخ رشد بلندمدت اقتصاد، تمامی مدل‌های رشد درون‌زا، به طور صریح و یا ضمنی، امکان تأثیرگذاری فعالیت‌های دولت بر نرخ‌های رشد اقتصادی را تفسیر و توجیه می‌کنند. مدل رشد بارو، یکی از مدل‌هایی است که به طور مستقیم چگونگی و نحوه اثرگذاری فعالیت‌های دولت بر نرخ رشد اقتصادی را از طریق نحوه اثرگذاری مخارج آن بر نرخ رشد اقتصادی بررسی

1. Ramsey-Gass-Koopmans

2. Romer

می‌کند. مدل رشد بارو^۱، مبتنی بر یک چهارچوب ساده است که در آن مخارج دولت، به‌عنوان یک نهاده، وارد تابع تولید بخش خصوصی شده است تا آثار خارجی افزایش مخارج دولت، بر نرخ رشد اقتصادی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بارو تابع تولیدی را در نظر می‌گیرد که در آن تولید سرانه، تابعی از نهاده‌های سرمایه سرانه و خدمات دولتی سرانه است.

مطالعات مدل رشد بارو، گفتمان جدیدی در ادبیات اقتصادی فراهم نمود و بسیاری از اقتصاددانان، به مطالعه پیرامون نحوه تأثیرگذاری دولت بر تولید و رشد اقتصادی پرداختند. لازم به یادآوری است که مطالعات کینز^۲، در دهه ۱۹۳۰ میلادی، و تأکید بر دخالت دولت در اقتصاد، برای افزایش تولید و رهایی از بحران، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری این گفتمان، در ادبیات اقتصادی آن دوره داشته است. این نکته لازم به ذکر است که در اواخر قرن بیستم میلادی، نظریه‌هایی مطرح شد که به بررسی نقش توسعه انسانی، و به دنبال آن خلاقیت، ابداع و نوآوری، در رشد اقتصادی پرداختند. در برخی از پژوهش‌ها، حتی میزان مخارج دولت در بخش‌های آموزشی و بهداشتی و رفاهی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که افزایش مخارج دولت در این بخش‌ها، می‌تواند جوامع را در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دهد.

۱.۱.۲. تأثیر مخارج دولت بر رشد

ارتباط میان مخارج دولت و رشد اقتصادی نیز، در نظریه‌های اقتصادی، مورد توافق قطعی اقتصاددانان نیست. با این حال، انتظار می‌رود که دولت، با ایجاد زیرساخت‌های لازم و ارائه مطلوب و کارآمد خدمات پایه، به رشد اقتصادی کمک نماید. تجربه برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که افزایش بیش از حد مخارج دولت در اقتصاد، مانعی برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود و موجب تأثیر منفی بر رشد اقتصادی است. در مورد رابطه مخارج دولت و رشد اقتصادی، به‌طور کلی، سه دیدگاه کلی در نظریه‌های اقتصادی وجود دارد. براساس تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است، رابطه مخارج دولت و رشد اقتصادی، می‌تواند مثبت، منفی و یا خنثی باشد. گروه اول نئوکلاسیک‌ها هستند که رابطه بین مصارف

1. Barro

2. Keynes

دولت و رشد اقتصادی را خلاف جهت یکدیگر می‌دانند و استدلال می‌کنند که افزایش مخارج دولت، موجب شکل‌گیری پدیدهٔ ازدحام خارجی می‌شود. گروه دوم که رابطهٔ بین مخارج دولت و رشد اقتصادی را مثبت می‌پندارند، استدلال می‌کنند که افزایش مصارف دولت، باعث به وجود آمدن پدیدهٔ اثرات خارجی می‌شود و در نتیجه، افزایش رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. گروه سوم کلاسیک‌های جدید هستند که به وجود رابطهٔ خاصی میان مخارج دولت و رشد اقتصادی معتقد نیستند؛ آنها، به دلیل اعتقاد به تعادل بارو - ریکاردو^۱، هرگونه تغییر در مخارج دولت را بر رشد اقتصادی بی‌اثر می‌دانند (رام^۲، ۱۹۸۶؛ لواین و رنلت^۳، ۱۹۹۲). نظریهٔ بارو - ریکاردو بیانگر تأثیر نداشتن کسری بودجهٔ دولت بر مصرف است. آنها با الهام از نظریهٔ دورهٔ زندگی و درآمد دائمی بیان می‌کنند که از آنجایی که دولت، از طریق استقراض از مردم، کسری بودجهٔ خود را تأمین می‌کند و در آینده، برای پرداخت این بدهی، از طریق افزایش مالیات آن را تأمین خواهد کرد، مصرف تغییری نمی‌کند. به‌طور کلی می‌توان خلاصه کرد که مبانی نظری، که به تبیین رابطهٔ بین مخارج دولت و رشد اقتصادی پرداخته‌اند، از دو دیدگاه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. در دیدگاه اول، اثرگذاری مخارج دولت بر رشد اقتصادی و در دیدگاه دوم، اندازهٔ بهینهٔ دولت مورد بحث قرار می‌گیرد. براساس دیدگاه اول، دو سناریو مورد توجه است. سناریوی اول به این نکته می‌پردازد که اندازهٔ بزرگ‌تر دولت و شوک مثبت مخارج دولت، اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد یا به عبارتی، دخالت دولت از ناکارایی برخوردار است و سناریوی دوم بیان می‌کند که دولت نقشی اساسی در توسعهٔ کشورها ایفا می‌کند و بنابراین، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورها دارد. (گالی^۴، ۱۹۹۸). لذا، می‌توان نتیجه گرفت که مرور ادبیات نظری نشان می‌دهد که در میان نظریه‌های اقتصادی مختلف، هیچ توافق نظری در این زمینه که آیا سیاست کسری بودجه می‌تواند، اثری مثبت، منفی و یا خنثی بر متغیرهای حقیقی چون سرمایه‌گذاری و رشد داشته باشد، چه از جنبهٔ روش‌شناختی و چه از جنبهٔ نتایج تحقیقاتی، وجود ندارد.

-
1. Barro-Richardo
 2. Ram
 3. Levine and Renelt
 4. Ghali

در زمینه تأثیرگذاری دخالت دولت بر رشد اقتصادی، تحقیقات بسیاری در مورد تأثیر تسهیلات بانکی، بر روی متغیرهای کلان اقتصادی، به‌ویژه رشد اقتصادی، انجام شده است. این مطالعات به این دغدغه می‌پردازند که آیا میزان دسترسی مناسب به نقدینگی، می‌تواند زمینه رشد اقتصادی را فراهم نماید یا خیر؟ بعضی از تحقیقات، به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش میزان تسهیلات‌دهی بانک‌ها، نه تنها سبب افزایش رشد اقتصادی نمی‌شوند، بلکه سبب بروز تورم‌های بالا، به‌خصوص در کشورهایی که از سیستم بانکی مناسبی برخوردار نیستند، می‌شود. در مقاله حاضر سعی شده تا با استفاده از تسهیلات بانکی، تأثیر این متغیر بر روی رشد اقتصادی و ضریب جینی، به تفکیک استانی، محاسبه شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲.۱.۲. تأثیر سرمایه انسانی، خلاقیت و نوآوری بر رشد

شولتز از جمله افرادی است که در زمینه نقش سرمایه انسانی بر روی رشد اقتصادی، در دهه ۱۹۶۰، فعالیت‌های زیادی انجام داده است. معیار مصارف رفاهی و سلامت، طبق پژوهش‌های انجام شده نیز، از عوامل تأثیرگذار بر توسعه انسانی و به دنبال آن، رشد اقتصادی هستند. همچنین، نقش نیروی کار در رشد اقتصادی، به پایه‌گذاری علم اقتصاد و دیدگاه آدام اسمیت^۱ بازمی‌گردد. تأکید وی به تأثیر نقش انسان در رشد اقتصادی بوده است؛ به گونه‌ای که اسمیت، در سال ۱۷۷۶، به تمام ذخایر سرمایه ثابت و توانایی‌های ضروری و مفید یک کشور و همچنین تمام ساکنان آن کشور، سرمایه اطلاق می‌کند.

با وارد شدن سرمایه انسانی به مدل‌های رشد، توضیح‌دهندگی مدل‌های رشد، افزایش یافت و علت تفاوت درآمد سرانه کشورها را توجیه‌پذیرتر نمود. بعضی از مدل‌ها، مانند نظریه شومپیتر^۲، برای رسیدن به رشدهای اقتصادی بالا و پایدار، به تمرکز بر خلاقیت و ایده‌های نو پرداختند. از دیدگاه شومپیتر، گسترش فعالیت‌های اقتصادی، با در پی داشتن نوآوری‌های جدید، حوزه اختراعات و شیوه‌های نوین، تولید را بسط و گسترش می‌دهد و به این ترتیب، کالاهای بسیاری وارد بازار می‌شود. وی تفسیر نئوکلاسیک‌ها یعنی، روند همگن و تدریجی در توسعه اقتصادی را رد می‌کند. برعکس، پیشرفت‌های چشمگیر روند درآمد ملی را فقط به وسیله جهش‌های ناهمگن

1. Adam Smith

2. Schumpeter

و سرمایه‌گذاری‌های کاملاً جدید ممکن می‌داند. همین نظریه باعث شده است که سرمایه‌گذاری بر روی ایده‌های نو و خلاق، به‌عنوان ابزاری برای سنجش توسعه و رشد در کشورهای مختلف، به کار رود. در همین زمینه، پژوهش‌های بسیاری در ایران و جهان بر روی تسهیلات اعطایی بانک‌ها و تأثیر آن بر روی رشد اقتصادی انجام شده است. مطالعات انجام‌شده، در طول چند دهه اخیر، نشان می‌دهد که اقبال به نظام بانکی در حال افزایش است. هرچند، محققان دیگری، که در زمره آنها می‌توان به لوکاس و همچنین شومپیتر اشاره کرد، در پژوهش‌های خود، از اهمیت نظام بانکی به‌عنوان یک کل و تأثیر آن بر رشد اقتصادی سخن گفته‌اند و بنیانی برای این نظر ایجاد کرده بودند که نظام بانکی، بر رشد اقتصادی تأثیر دارد.

همان‌طور که بیان شد، در ادبیات رشد اقتصادی، نقش‌های متعددی برای سرمایه انسانی مطرح شده است. بعضی از آن به‌عنوان یک عامل مجزایی برای تولید یاد می‌کنند که در این رابطه، می‌توان به آثار منکیو رومر و ویل^۱ (۱۹۹۲) اشاره نمود. در برخی از نظریه‌ها، به‌عنوان منبع و منشأ فعالیت نوآورانه و در نتیجه، نهاده مهمی در پی‌ریزی دانش پایه محسوب شده است (ورس پاگن^۲، ۱۹۹۱)، (استرلین^۳، ۱۹۸۱). اندوخته یا ذخیره سرمایه انسانی را وسیله‌ای برای جذب فرآورده‌ها و اندیشه‌های کشف‌شده در جاهای دیگر دنیا و در نتیجه، بهره‌برداری بهتر از توان بالقوه جامعه می‌داند. و سرانجام، لوکاس^۴ (۱۹۸۸) معتقد است که سرمایه انسانی می‌تواند، اثرات خارجی مثبت داشته باشد و وجود آن در یک فرد، بهره‌وری همکاران وی را افزایش دهد؛ لذا رویکردهای رقیب، در رابطه بین آموزش و نابرابری درآمدها، به تفسیرهای متفاوتی از این ارتباط می‌پردازند. در منطق رویکرد سرمایه انسانی، با این فرض که بازار کار نسبتاً همگنی برای تحصیلات کارگران و خدمات ناشی از آن وجود دارد، مهارت‌های کسب‌شده در اثر آموزش، یکی از عوامل اصلی افزایش بهره‌وری کارگران است. تحت شرایط رقابتی، در هنگام تعادل بازار، دستمزدها برابر با تولید نهایی است. یعنی رابطه علی زنجیره‌ای میان آموزش، بهره‌وری و درآمد وجود دارد بنابراین، آموزش بیشتر به درآمد بالاتری می‌انجامد (ولوسو^۵، به نقل از دانشنامه

1. Mankiw, Romer and Weil
2. Verspagen
3. Esterlin
4. Lucas
5. Veloso

اقتصاد آموزش و پرورش، ۱۳۸۰). مطالعه داتن^۱ و همکاران (۲۰۱۹) برای کانادا که در حوزه تمرکز بر روی مصارف رفاهی انجام شد را نیز می‌توان، در حوزه سرمایه انسانی تقسیم‌بندی کرد. مطابق این پژوهش، توجه بیشتر دولت به امور رفاهی، نسبت به بخش سلامت می‌تواند، تأثیر مثبت شدیدی بر بهبود سرمایه انسانی داشته باشد. نلسون و فلیپس^۲ نیز معتقدند که سرمایه انسانی می‌تواند، با خلاقیت و خلق ایده‌ها و نوآوری‌هایی که به رشد و توسعه اقتصادی منجر می‌شود، اثرگذار باشد و با گسترش فناوری، تسهیلاتی را به وجود آورد؛ به بیان دیگر، نیروی کار تحصیل کرده، مسبب نوآوری‌های مطلوب است و تحصیلات، فرآیند توسعه فناوری را گسترش می‌دهد.

۳.۱.۲. تأثیر تجارت بر رشد

بررسی‌های تجربی حاکی از آن است که سازمان تجارت جهانی، از زمان شروع به کار خود، نقش اساسی در شتاب تجارت جهانی داشته است. همان‌طور هم که کینز بیان کرده است، تجارت یک نقش اساسی در فرآیند رشد کشورها دارد. در نگرش نئوکلاسیک، بحث می‌شود که آزادسازی تجارت، مسیر اصلی بهبود عملکرد و در نتیجه رشد و توسعه صنعتی به حساب می‌آید. مجاری مختلفی برای بررسی میزان تأثیرگذاری تجارت، بر میزان تولید و رشد، در نظر گرفته شده است. اولین مورد به این مسئله می‌پردازد که آزادسازی تجارت، باعث می‌شود که تولیدکنندگان داخلی، با بهره گرفتن از بازارهای خارجی، تولیدات خود را افزایش دهند و از مزایای صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس برخوردار شوند. مورد دوم، این نکته مهم است که تجارت خارجی باعث می‌شود که تولیدکنندگان داخلی از دانش، امکانات و فناوری خارجیان استفاده کنند. سومین مورد که اغلب پژوهشگران بر آن تأکید می‌کنند، این نکته است که تجارت خارجی سبب می‌شود که تولیدکنندگان داخلی، در مواجهه با رقبای خارجی خود، برای از دست ندادن بازار فروش خود، برای بهبود عملکردشان اقدام کنند و آخرین مورد آن است باعث جلوگیری از رانت‌جویی تولیدکنندگان می‌شود (بالدوین و نیکود^۳، ۲۰۰۶).

1. Dutton et al

2. Nelson and Phillips

3. Baldwin and Nicoud

۴.۱.۲. تأثیر تورم بر رشد

چگونگی ارتباط میان تورم و رشد اقتصادی، حداقل در کوتاه‌مدت، همواره یکی از موضوعات مورد بحث بین اقتصاددانان بوده است و مباحث نظری و تجربی متفاوتی، در این زمینه ارائه شده است. علی‌رغم مطالعات گسترده در این خصوص، هنوز اتفاق نظر دقیقی در مورد ارتباط بین این دو متغیر صورت نگرفته است و یافته‌های مورد نظر در مطالعات، با یکدیگر، متفاوت بوده است. با این حال، براساس نتایج حاصل از اغلب مطالعات تجربی، تورم بالا دارای آثار منفی و پایدار بر رشد اقتصادی است (آکینسولا و اوده‌یامبو^۱، ۲۰۱۷). بدین لحاظ، در دهه‌های اخیر، اتخاذ سیاست‌های پولی در بسیاری از نقاط جهان، با تأکید فزاینده بر ثبات قیمت‌ها، در جهت دستیابی به تورم و حفظ تورم در نظر گرفته شده است. زیرا معتقدند که تورم، اثر معکوس بر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله رشد و بهره‌وری تولید دارد (صمدی و همکاران، ۱۳۸۵).

۵.۱.۲. تأثیر مالیات بر رشد

سیاست‌های مالیاتی و اثر آن بر اقتصاد، از دیرباز، محل مجادله بوده است؛ برخی معتقدند که کاهش مالیات‌ها، از طریق افزایش سودآوری شرکت‌ها، باعث رونق سرمایه‌گذاری می‌شود و همین امر، موجب تحریک اقتصاد در کوتاه‌مدت و افزایش تولید در بلندمدت می‌شود؛ این در حالی است که گروهی دیگر بیان می‌کنند که کاهش مالیات‌ها، از طریق افزایش نرخ بهره، موجب کاهش تولید در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شود (رومر و رومر^۲، ۲۰۱۰). این تفاوت‌ها در تأثیر سیاست‌های مالیاتی نشان‌دهنده آن است که تا چه حد، تأثیر این سیاست‌ها می‌تواند متفاوت باشد و اندازه‌گیری و ارزیابی آنها دشوار است.

مالیات‌ها را به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌کنند. مالیات مستقیم به نوعی از مالیات‌ها اطلاق می‌شود که پرداخت‌کننده آن مشخص است. معمولاً مالیات مستقیم بر دارایی و درآمد وضع می‌شود و در مقابل، مالیات غیرمستقیم بر کالاها و خدمات وضع می‌شود و به صورت بخشی از قیمت بازاری آنها پرداخت می‌شود. مهم‌ترین انواع مالیات‌های عمومی بر کالاها و خدمات، شامل مالیات بر فروش و مالیات بر ارزش افزوده است. مالیات بر ارزش افزوده، نوعی مالیات بر مصرف

1. Akinsola & Odhiambo

2. Romer & Romer

است که در مراحل مختلف زنجیره واردات/ تولید/ توزیع و مصرف، به تدریج، به وسیله بنگاه‌های اقتصادی که در مراحل مختل زنجیره قرار می‌گیرند، اخذ می‌گردد و از هر بنگاه به بنگاه بعدی انتقال می‌یابد تا در نهایت، به مصرف‌کنندگان منتقل گردد. براساس مطالعات انجام‌شده در ایران و دیگر کشورها، اخذ مالیات، تحت برخی شرایط، موجب کاهش اشتغال در بخش‌های اقتصادی می‌شود. البته به نظر می‌رسد، این کاهش نیز، تا حد زیادی، تابع شرایط بازار کار و میزان تأثیر مالیات بر شاخص‌های قیمت باشد. به عنوان مثال، با وجود اینکه نتایج مطالعه تقوی و رضایی (۱۳۸۳) حاکی از واکنش نداشتن معنی‌دار اشتغال و رشد اقتصادی به سبب افزایش مالیات‌ها در کشور است؛ براساس مطالعات عباسیان و همکاران (۱۳۸۵) نبود اطمینان ناشی از نوسانات مالیاتی، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی کشور برجای گذاشته است.

۲.۲. توزیع درآمد

از اواخر قرن نوزدهم، برخی از اقتصاددانان کلاسیک نظریاتی ارائه نمودند، که از ارتباط بین رشد و توزیع درآمد حکایت می‌کرد. از اقتصاددانانی که برای اولین بار، به بررسی رابطه بین رشد و توسعه اقتصادی پرداخته است، می‌توان به کوزنتس اشاره نمود. به اعتقاد وی، براساس تجزیه و تحلیل تاریخی، می‌توان نشان داد که در اوایل روند رشد اقتصادی، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد. دلیل این امر، ماهر نبودن کارگران و پایین بودن سطح دستمزدهاست. لیکن به محض اینکه توسعه مراحل اولیه را پشت سر گذاشت، نیروی کار، تخصص لازم را به دست می‌آورد و دستمزدها افزایش خواهد یافت که این خود، باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود. در حالت کلی می‌توان عنوان کرد که رشد اقتصادی، رابطه‌ای متقابل، تفکیک‌ناپذیر و پیچیده با توزیع درآمد دارد. ارتباط متقابل از آن جهت که هم رشد اقتصادی بر توزیع درآمد اثر داشته است، و هم توزیع درآمد بر رشد اقتصادی اثر خواهد گذاشت. بعد از مطالعه کوزنتس، پژوهش‌های متعددی در زمینه نابرابری و فقر انجام شده است که در این حوزه می‌توان به سه سناریوی رشد سرریز، رشد فقرزا و رشد فقرزدا اشاره کرد. که در این رابطه می‌توان به مطالعات کاکوانی و پرنیا^۱ (۲۰۰۰) و باگواتی^۲

1. Kakwani & Pernia

2. Bhagwati

(۱۹۹۸) اشاره کرد. مطالعه کاکوانی و سان^۱ (۲۰۰۸) نیز، از جمله پژوهش‌های موفق در این حوزه است که بیان می‌کنند تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد مبهم است. به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که یکی از مسائل اقتصادی مهم در کشورها، علی‌الخصوص کشورهای در حال توسعه، وجود نابرابری است. بهبود توزیع درآمد، یکی از مهم‌ترین اهداف مورد نظر دولت‌ها محسوب می‌شود. توجه اقتصاددانان به آثار سیاست‌های مخارج دولت، به‌عنوان یکی از ابزارهای مناسب در زمینه بهبود توزیع درآمد، نشان می‌دهد که جهت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی، در طول دو دهه اخیر، از مقوله رشد سریع اقتصادی، به کاهش نابرابری و سیاست‌های بازتوزیع درآمد تغییر نموده است. در واقع، با الزاماتی که از سوی نهادهای بین‌المللی، در راستای توسعه انسانی، پیش‌روی دولت‌ها وجود دارد، ایجاد یک سیستم مناسب و توسعه سازوکارهای اقتصادی و اجتماعی، برای بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری، حیاتی است.

یکی از معروف‌ترین ابزار برای سنجش توزیع درآمد، ضریب جینی است. در این میان، ارزیابی عملکرد آثار سیاست‌های کاهش فقر و توزیع مناسب درآمد در ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که در ایران دولت حجم بزرگی از اقتصاد را در اختیار دارد و اکثر درآمدهای نفتی نیز در دست دولت است، توجه به سیاست‌های مالی و اثر آنها بر توزیع درآمد، اهمیت بیشتری می‌یابد. اهمیت موضوع توزیع درآمد در ایران، از آنجا سرچشمه می‌گیرد که طبق آخرین محاسبات مرکز آمار ایران، در سال ۹۸، ضریب جینی در ایران به عدد ۳۹/۹۲ درصد رسیده است و بنابراین، باید راهکارهایی پیرامون بهبود آن اندیشیده شود.

۳.۲. عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد

بر اساس نظریه‌های اقتصادی، متغیرهای بسیاری بر نابرابری درآمدی (ضریب جینی) تأثیرگذار است که رشد اقتصادی، بهره‌وری و مخارج دولت، در کنار تورم، از مهم‌ترین متغیرهای یاد شده است. این نکته ناگفته نماند که بهره‌وری، خود از عوامل بسیار مهمی مانند بهداشت و آموزش تأثیر می‌پذیرد. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که علاوه بر رشد اقتصادی و مخارج دولت، عواملی همچون تجارت

1. Kakwani & Pernia

خارجی، مالیات‌ها، تورم و بسیاری از متغیرهای دیگر، بر توزیع درآمد تأثیرگذار هستند. در این بخش سعی شده است که با استفاده از متغیرهای موجود در مدل، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد پرداخته شود.

۱.۳.۲. تأثیر مخارج دولت بر توزیع درآمد

در ادبیات نظری اقتصاد ایران، همواره بیان شده است که مخارج دولت، تأثیر به‌سزایی بر شاخص‌های کلان اقتصادی دارد. همان‌طور که بیان شد، هزینه‌های جاری و عمرانی موجود در بودجه دولت، تأثیر فراوانی بر سطح فعالیت‌های اقتصادی، تسریع رشد اقتصادی و کمک به حفظ ثبات اقتصادی دارند. این هزینه‌ها، تولید را از طریق بهبود کارایی نیروی کار و زیربناهای مستعد رشد اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات تعیین‌کننده بر توزیع درآمد و ثروت دارد. در مقایسه اثر بخشی مخارج عمرانی و جاری دولت، همان‌طور که بیان شد، اثرگذاری ضریب مصارف عمرانی دولت بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، به مراتب بیشتر است. با افزایش سرمایه‌گذاری دولت، سازوکار افزایش درآمد، در کوتاه‌مدت، به کار می‌افتد و در نتیجه، درآمد و قدرت خرید تعدادی از افراد جامعه افزایش می‌یابد. در نتیجه، تقاضا برای کالا و خدمات ایجاد می‌شود. وجود این تقاضا موجب سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد شد. مخارج جاری دولت که بیشتر از جنس حقوق و دستمزد است، به‌طور مستقیم، اثری بر قدرت تولید جامعه ندارد؛ بلکه، برای عده‌ای درآمد و متعاقباً تقاضا ایجاد می‌کند که ممکن است این تقاضا، به‌صورت سرمایه‌گذاری ظاهر شود. گسترش مخارج جاری دولت که اثر غیرتولیدی دارد، بر توزیع درآمد، تأثیر فراوانی می‌گذارد و معمولاً متوجه گروه‌های پردرآمد جامعه می‌شود و امکان بهره‌مند شدن بیشتر قشر کم‌درآمد را فراهم نمی‌کند. افزایش هزینه‌های دولت، به‌خصوص هزینه‌های عمرانی، سبب افزایش تقاضای کل و رشد تولید می‌شود. در کشورهای صادرکننده نفت، که درآمد نفتی در اختیار دولت است، هزینه‌های دولت به‌شدت تقاضای جامعه و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این افزایش درآمد، قدرت خرید افراد جامعه را به‌طور یکسان متأثر نمی‌کند. در واقع، این نوع سرمایه‌گذاری‌ها نیز، به‌طور غیرمستقیم، بر توزیع درآمد اثر دارند؛ ولی در آینده می‌توانند تأثیر مثبتی بر توزیع درآمد داشته باشند. همچنین، مخارج جاری دولت در توزیع درآمد، به‌طور غیرمستقیم تأثیر دارد و وضعیت توزیع درآمد افراد و کارایی را قبل از اینکه

وارد بازار کار شوند، بهبود می‌بخشند. نوع مخارج دولت، ترکیب آن و همچنین میزان آن بر قدرت خریدهای مختلف، نتایج مختلفی دارند. این مسئله، از یک طرف، می‌تواند باعث بهره‌مندی بیشتر ثروتمندان از فقرا و در نتیجه، بهبود نسبی دهک‌های بالای درآمدی نسبت به دهک‌های پایین درآمدی و بدتر شدن توزیع درآمد شود و از طرف دیگر، با افزایش هزینه‌های یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی، باعث بهبود نسبی توزیع درآمد شود.

۲.۳.۲. تأثیر تجارت بر توزیع درآمد

موضوع توزیع درآمد در ایران، به یکی از مسئله‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر تبدیل شده است. این عامل چگونگی بهره‌مندی افراد از تولید داخلی یک کشور را نشان می‌دهد. در مورد تأثیر تجارت خارجی بر میزان توزیع درآمد در ایران، مطالعات تجربی زیادی صورت گرفته است. به همین دلیل، بررسی رابطه بین تجارت خارجی و توزیع درآمد در ایران، از اهمیت بالایی برخوردار است. در ادبیات اقتصاد بین‌الملل، براساس نظریهٔ هکشر اوهلین^۱، تجارت می‌تواند بر عایدی عوامل تولید اثرگذار باشد. در سال ۱۹۴۰، استاپلر و سامئلسون^۲ این نظریه را گسترش دادند و نشان دادند که با آزادسازی اقتصادی و به تبع آن، تولید بیشتر کالاهایی که از منابع فراوان جامعه با شدت بیشتر استفاده می‌کنند، باعث می‌شود که دستمزدها و یا منابع فراوان‌تر، افزایش و قیمت منابع کمیاب کاهش پیدا کند. همین امر سبب می‌شود که توزیع درآمد در جوامع، تحت تأثیر قرار بگیرد. وجود چنین نظراتی در حوزهٔ تجارت بین‌الملل سبب شده است که پژوهش‌های بسیار زیادی در این حوزه انجام شود. به عنوان مثال می‌توان به مطالعه‌ی کارل لیتوین^۳ (۱۹۹۸) در مورد تجارت و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه اشاره کرد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد، به سرمایهٔ انسانی کشورها بستگی دارد. به نحوی که کشورهای که از آموزش‌های پایه‌ای بهتری برخوردار بودند، به سمت تولید کالاهای صادرات صنعتی حرکت می‌کردند و همین امر سبب می‌شد که از توزیع درآمد مناسبی برخوردار باشند.

1. Heckscher-Ohlin

2. Stopler – Samuelon.

3. Carol litwin

برخی از نظریات با تلفیق تکنولوژی در نظریه هکشر اوهلین به این نتیجه رسیدند که تکنولوژی می‌تواند سبب بهبود توزیع مناسب درآمد شود. مطالعه جونز^۱ (۲۰۰۸) از جمله تحقیقاتی بود که تکنولوژی را وارد مدل نمود و به این نتیجه رسید که بهبود تکنولوژی در یک بخش از کشور، بر توزیع درآمد کشور میزبان و دیگر کشورها تأثیر می‌گذارد. اسپریمبرگ و همکاران^۲ (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی به بررسی اثر تجارت خارجی بر توزیع درآمد پرداختند. آنها در مدل خود ابتدا چهارچوبی را در نظر گرفتند که چند کشور از اقتصاد بسته به سمت تولید کالاها و صادرات حرکت می‌کنند و در نهایت، با کنار گذاشتن تعرفه‌ها، به سمت تجارت آزاد سوق پیدا می‌کنند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که توزیع درآمد در کشورهایی که از وفور نیروی کار ماهر و همچنین سرمایه برخوردارند، کاهش پیدا می‌کند. باگواتی نیز به عنوان یک محقق که پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام داده است، بیان می‌کند که کشورهای در حال توسعه، عمدتاً صادرکننده مواد خام هستند و همین امر دلیلی است که رشد کشورهای فقیر، یک فرایند خودمغلوب‌کننده باشد.

۳.۳.۲. تأثیر تورم بر توزیع درآمد

برخی اقتصاددانان معتقدند یک تورم ملایم در سیستم اقتصادی، آثاری مثبت بر اوضاع اقتصادی دارد و این گونه استدلال می‌شود، با توجه به اینکه گروه کم‌درآمد جامعه معمولاً بدهی دارند، افزایش تورم به کاهش ارزش واقعی بدهی منجر می‌شود و به عبارت دیگر، نوعی کمک برای آنها به شمار می‌آید. البته این نکته قابل توجه است که این مطلب در شرایطی صحیح است که افراد کم‌درآمد، به منابع مالی گسترده و سیستم بانکی جهت دریافت تسهیلات دسترسی داشته باشند. همچنین، با توجه به مدل فیلیپس، رابطه میان تورم و بیکاری رابطه‌ای معکوس است و با افزایش تورم، نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. لذا با افزایش تقاضا برای کار و کاهش بیکاری، که در نهایت به افزایش درآمدها منجر می‌شود، وضعیت زندگی مردم بهتر و از میزان و شدت فقر و نابرابری در جامعه کاسته می‌شود. بنابراین، از لحاظ نظری انتظار بر آن است که بیکاری همواره، رابطه مستقیمی با شاخص‌های توزیع درآمد داشته باشد؛ بنابراین با افزایش تورم، نرخ بیکاری کاهش و با افزایش

1. Jones

2. Spilimbergo et al

اشتغال، فقر و نابرابری کاهش می‌یابد. بعضی از اقتصاددانان، به وجود رابطه معکوس بین نرخ تورم و توزیع درآمد معتقدند؛ به گونه‌ای که افزایش نرخ تورم، موجب کاهش قدرت خرید و متضرر شدن تمام افرادی می‌شود که نمی‌توانند درآمدهای خود را متناسب با نرخ تورم تغییر دهند. درواقع، این امر نوعی انتقال دارایی از افرادی که دارای دستمزد ثابت‌اند، به افرادی که دارای سرمایه فیزیکی هستند به‌شمار می‌رود؛ درنتیجه تورم می‌تواند به افزایش شکاف درآمدی و بدتر شدن توزیع درآمد و افزایش فقر منجر گردد.

یکی دیگر از مواردی که در مبانی نظری اقتصاد، در حوزه توزیع درآمد، مورد مطالعه قرار گرفته است، تأثیر ارزش پول ملی بر ضریب جینی است. براساس نتایج مطالعه تجربی دیاز - آلیجاندرو^۱ (۱۹۶۵)، کاهش ارزش پول می‌تواند، مخصوصاً در کوتاه‌مدت، به افزایش نابرابری درآمدی منجر گردد. وی استدلال می‌کند که کاهش ارزش پول ملی، دستمزدهای حقیقی را کاهش و نرخ بیکاری را افزایش می‌دهد که باعث می‌شود افراد با درآمد کم، به شدت آسیب ببینند. در تئوری‌های اقتصادی، تأثیر نرخ ارز بر توزیع درآمد، از دو بُعد بررسی می‌شود. در حالت اول انتظار بر آن است که افزایش نرخ ارز، در رژیم ارزی ثابت، به افزایش در حاشیه نرخ ارز منجر شود که این نیز، به کاهش صادرات و تولید می‌انجامد. لذا، در رژیم نرخ ارز ثابت، افزایش در نرخ ارز، به سبب بالا بردن هزینه‌های صادرات، به زیان بخش تجاری و به نفع بخش غیرتجاری است. حال اگر در این حالت، نابرابری کاهش یابد، نشان‌دهنده این است که افرادی که در بخش تجاری قرار دارند، از درآمد بالاتر نسبت به افرادی که در بخش غیرتجاری فعالیت دارند، برخوردارند. در حالت دوم، انتظار بر آن است که افزایش نرخ ارز در رژیم نرخ ارز آزاد، به افزایش در صادرات منجر شود زیرا حاشیه نرخ ارز کاهش می‌یابد و نیز، سودآوری صادرات را افزایش می‌دهد و این نشان‌دهنده این است که افزایش نرخ ارز شناور، به نفع بخش تجاری و به زیان بخش غیرتجاری است و لذا به افزایش نابرابری منجر می‌گردد (دهمرده و همکاران، ۱۳۸۹). همین دلایل باعث شده است که تجارت، آزادی اقتصادی و نحوه تعامل با کشورهای دنیا، به یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد در ادبیات اقتصادی مطرح شود.

1. Diaz-Alejandro

۴.۳.۲. تأثیر مالیات بر توزیع درآمد

یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در جوامع، تحقق عدالت اجتماعی، حمایت از اقشار کم‌درآمد و همچنین توزیع عادلانه درآمد است. یکی از ابزارهایی که برای رسیدن به توزیع متعادل‌تر درآمد، هم در نظام‌های سرمایه‌داری و هم در نظام اقتصادی اسلامی بر آن تأکید شده است، استفاده از ابزارهای مالیاتی است. مالیات‌ها، یکی از ابزار دولت‌ها در بهبود توزیع درآمد هستند. تمامی مالیات‌ها دارای تأثیر درآمدی هستند و به همین دلیل، نحوه توزیع درآمد افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نکته مهم به این موضوع برمی‌گردد که تأثیر مالیات‌ها بر توزیع درآمد، بیشتر بر مبنای نظری استوار است. درحالی‌که در دنیای کنونی، به دلیل مشکلات فراوان در راه انتقال مالیات، فرار مالیاتی و غیره، نتایج عملی مشاهده شده، اغلب، با نتایج نظری و تئوری متفاوت است (جعفری صمیمی، ۱۳۹۱). اثر مالیات بر توزیع درآمد، به نوع سیستم مالیاتی اتخاذشده در اقتصاد، از لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیات‌ها، بستگی دارد. از آنجاکه اشخاص پرداخت‌کننده مالیات‌های مستقیم، نمی‌توانند آن را به دیگری منتقل سازند، اگر براساس درآمد تنظیم گردد، می‌تواند شکاف شدید طبقاتی را ترمیم و یا تعدیل کند. از طرف دیگر، مالیات‌های غیرمستقیم نقش کمتری در بهبود توزیع درآمد دارند؛ زیرا این مالیات‌ها، بیشتر بر دوش افراد کم‌درآمد سنگینی می‌کند و بنابراین، چنین مالیات‌هایی ممکن است، تأثیر نامطلوب در توزیع درآمد داشته باشد (جعفری صمیمی، ۱۳۹۱). مالیات‌ها طبیعی‌ترین منابع تأمین مخارج دولت‌ها به شمار می‌آیند. در زمینه دامنه فعالیت‌های مالی دولت‌ها، بحث‌های زیادی مطرح است که از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. ارزیابی اقتصادی فعالیت‌های مالی دولت‌ها، از جهت اخذ مالیات و انجام مخارج، این فرصت را فراهم می‌کند تا نتایج این فعالیت‌ها، در بخش‌های مختلف اقتصادی مشخص شود. بیشتر بررسی‌های انجام‌شده، نظیر پروین و قره‌باغیان (۱۳۷۵)، کریدی^۱ (۱۹۸۵) و زاینده‌رودی (۱۳۸۰) که در زمینه اثرات اخذ مالیات یا انجام مخارج دولت، بر پارامترهای کلان اقتصادی نظیر رشد، اشتغال و توزیع درآمد جامعه انجام شده است، این اثرات را به‌طور جداگانه مورد توجه قرار داده است.

1. Creedy

۳. مروری بر پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات داخلی و خارجی متعددی، با هدف مشخص کردن تأثیر هزینه دولت‌ها بر روی بخش‌های مختلف اقتصادی انجام شده است. مطالعات بر روی بودجه اختصاص یافته به هر قسمت، از آن جهت دارای اهمیت است که مشخص می‌کند، کدام یک از بخش‌ها، عملکرد بهتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی دارند. بسیاری از مطالعات سعی دارند، با ارائه پیشنهادهایی به کارگزاران دولتی، کارایی بودجه را در بخش‌های مختلف افزایش دهند. به عنوان مثال، می‌توان در بین مطالعات خارجی، به پژوهش داتن^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به منظور افزایش سطح سلامت جامعه، با تأکید بر صرف مخارج در بخش خدمات اجتماعی، تحقیق بخاری و همکاران (۲۰۰۷)^۲ در زمینه افزایش بازدهی بخش سلامت، با تمرکز بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها اشاره کرد. در بین منابع داخلی، می‌توان به مطالعات انجام شده به وسیله امینی و فرهادکیا (۱۳۹۵)، با موضوع افزایش رشد اقتصادی و اثر مثبت سرمایه سرانه بر اشتغال به تفکیک ۹ بخش، و یا پژوهش یحیی آبادی (۱۳۸۹)، با موضوع افزایش درآمدهای نفتی و تأثیر افزایش مخارج دولت بر متغیر اشتغال اشاره نمود.

اولویت در انجام این گونه مطالعات، مشخص کردن میزان منابع به دست آمده و مخارج انجام شده در بخش‌های مختلف اقتصادی است. در این رابطه، می‌توان از مطالعه نبین و ویلکینز^۳ (۲۰۱۶) در مورد مشخص کردن و یکسان سازی بودجه استان‌های مختلف کشور کانادا استفاده کرد. تعیین میزان درآمد و مخارج، از آن جهت حائز اهمیت است که می‌توان با مطالعه بر روی آنها، تأثیر کسری بودجه کشورها را بر شاخص‌های مهم اقتصادی مشاهده کرد. بسیاری از مطالعات، تأثیر کسری بودجه بر متغیرهای مهم اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ مانند پژوهش حسینی و رضاقلی (۱۳۸۹) که با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری^۴ نشان دادند درآمدهای نفتی و کسری بودجه، از مهم‌ترین علل افزایش تورم در تاریخ اقتصادی ایران است. همچنین، مطالعه فرح‌بخش و فرزین‌وش (۱۳۸۸) که با

1. Dutton

2. Bokhari et al (2007)

3. Nien & Vilkinze

4. Vector Auto Regressive

در نظر گرفتن دو رویکرد ریکاردویی و کینزی، نتیجه می‌گیرند که دیدگاه ریکاردویی در زمینه کسری بودجه، در کشورهای با درآمد پایین برقرار نیست.

گرائی نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی، تأثیر بودجه‌های امور اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمدها در ایران را با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۵ مبتنی بر روش خودرگرسیون بُرداری، مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که بودجه‌های امور اجتماعی دولت، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی است و بیشترین درصد تغییرات این دو متغیر را توضیح می‌دهد. مهرآرا و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای، تأثیر تکانه‌های بودجه‌ای بر رشد اقتصادی استان‌های کشور، با در نظر گرفتن اعتبارات بودجه و مخارج دولت در هر استان را برای دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۶ با استفاده از رویکرد خودرگرسیون بُرداری پنلی، به تفکیک اثرات تکانه‌های هر استان بر اساس تکانه مختص هر استان و تکانه عمومی استان‌ها پرداختند. نتایج به دست آمده بیانگر این بوده است که اعتبارات بودجه‌ای اختصاص یافته به هر استان، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی آن استان داشته است.

بر اساس مطالعاتی که سالانه، به وسیله مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر می‌شود، سهم به‌سزایی از منابع دولت در بودجه ایران، وابسته به نفت و مشتقات حاصل از آن است. در نتیجه، مطالعه نحوه هزینه‌کرد این منابع، مورد توجه پژوهشگران بوده است. اکثر کارشناسان سعی کرده‌اند تا با مطالعه بر روی بودجه‌ریزی کشورهای موفق، دستاوردهای آن را در ایران عملیاتی کنند؛ می‌توان به عنوان مثال به مطالعه صورت گرفته بر نحوه بودجه‌ریزی در کانادا توسط استا و باباجانی (۱۳۹۴) اشاره کرد. مطالعات داخلی، همواره، گواه بر این موضوع بوده است که بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، یک عامل بسیار مهم، برای جلوگیری از هدررفت منابع کشور است (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۵).

دودزویچ و همکاران^۱ (۲۰۱۸) رابطه بین اعتبارات و مخارج بودجه‌ای دولت و رشد اقتصادی در کشورهای اروپایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. برای این منظور، در این مطالعه، از روش داده‌های پنلی استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر این موضوع بود که مخارج جاری دولت، برای ۸ کشور اروپایی، تأثیر مثبت و معنی‌داری

1. Dudzevičiūtė et al

بر رشد اقتصادی داشته است. گوپتا^۱ (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین مخارج دولت و رشد اقتصادی، طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۶، در کشور نپال پرداخت. نتایج به دست آمده بیانگر این بود که رابطه مثبت و معنی داری بین مخارج دولت و رشد اقتصادی، در کوتاه مدت و بلندمدت وجود دارد.

یوگبونام و رابینسون^۲ (۲۰۱۷) به مطالعه رابطه بین اعتبارات بودجه ای و رشد اقتصادی در آفریقای جنوبی پرداخته اند. بدین منظور، از روش هم انباشتگی و رابطه علیت گرنجری، برای دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۴ استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن بود که رابطه علی یک طرفه، بین متغیرهای الگو وجود دارد؛ به طوری که اعتبارات، نقش مؤثری بر رشد اقتصادی داشته است.

ایهیناچو^۳ (۲۰۱۶) تأثیر اعتبارات دولتی بر رشد اقتصادی را در کشور نیجریه، مورد ارزیابی قرار داده است. در این مطالعه، از داده های دوره زمانی ۱۹۸۶-۲۰۱۴ و روش تصحیح خطا برای برآورد مدل استفاده شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهد که رابطه مثبت و معنی داری بین رشد اقتصادی و اعتبارات بودجه ای وجود دارد.

محمد و همکاران (۲۰۱۱)^۴ در مطالعه ای به بررسی اثرات کاهش نرخ ارز بر توزیع درآمد در پاکستان، با استفاده از داده های بازه زمانی ۱۹۷۳-۲۰۰۶، به وقفه های توزیعی می پردازد. نتایج حاکی از آن است که کاهش نرخ ارز، رشد اقتصادی را از طریق افزایش نابرابری درآمدی و افزایش بیکاری کاهش می دهد.

ایزدخواستی (۱۳۹۸)، در مطالعه ای داخلی، به بررسی نابرابری در تخصیص اعتبارات بودجه استانی و تأثیر آن بر نابرابری درآمدهای منطقه ای در ۳۰ استان ایران، با استفاده از روش داده های تابلویی پویا، طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۵ پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که با افزایش در اعتبارات مصارف عمرانی سرانه استانی، نابرابری درآمد سرانه استانی، کاهش می یابد و افزایش سرمایه گذاری دولت در زیرساخت ها و سهم بالاتر اعتبارات عمرانی دولت، در استان های کمتر توسعه یافته

1. Gupta

2. Iwegbunam and Robinson

3. Iheanacho

4. Muhammad et al

است. همچنین، با افزایش در نابرابری اعتبارات هزینه‌ای سرانه استانی، نابرابری در درآمد سرانه استانی افزایش یافته است؛ زیرا افزایش در نابرابری اعتبارات هزینه‌ای سرانه در استان‌ها می‌تواند، باعث ارائه نامتوازن خدمات عمومی و افزایش در نابرابری درآمد سرانه استانی شود. حقیقت و جودی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیرات مخارج دولتی، بر تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. لذا، با استفاده از الگوی عوامل مؤثر بر مخارج دولتی، طی دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۳ مبتنی بر روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده نشان می‌دهد که تأثیر تکانه مخارج جاری دولتی، بر تولید ناخالص داخلی، معنادار نیست؛ درحالی‌که تکانه مخارج دولتی با یک وقفه، دارای تأثیر مثبت و معنادار بر تولید ناخالص داخلی است.

در ادامه، به دیدگاه‌های مخالف و موافق مداخله دولت در اقتصاد و حضور بخش خصوصی در اقتصاد پرداخته شده است. به اعتقاد برخی از اقتصاددانان، بزرگ‌تر شدن اندازه دولت، بر رشد و کارایی اقتصادی اثر منفی دارد و یا برعکس. رشد اقتصادی کشورهایی که تورم را کنترل کرده‌اند، سریع‌تر و زودتر حاصل شده است و ازسویی، عامل مهم دیگر در پیشرفت، اصلاحات یا آزادسازی بازار است. کشورهایی که قیمت‌ها را خیلی زود، به‌طور جامع آزاد کرده‌اند، سریع‌ترین بهبود را در تولیدات داشته‌اند. تولید در کشورهایی که دارای سرعت رشد متوسط بالایی در صادرات بوده‌اند، افزایش یافته است. همچنین، در کشورهایی که رشد سریع و همگنی داشته‌اند، نقش بخش خصوصی، در تولید ناخالص داخلی، بسیار بیشتر از کشورهایی است که رشد کند یا غیریکنواخت را تجربه کرده‌اند. اما همیشه می‌توان استثناهایی را بر این قاعده برشمرد.

تفاوت اساسی مقاله حاضر، نسبت به سایر پژوهش‌هایی که در ادبیات بیان شد، مطالعه بر روی امور اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بودجه، به تفکیک استان‌ها و مشاهده تأثیر امور اقتصادی، سلامت، آموزشی و رفاهی بر رشد اقتصادی و ضریب جینی است. یکسان‌سازی ارقام بودجه، برحسب امور مختلف، یکی از نکات اساسی این مقاله است. این مطالعه از آن جهت با سایر تحقیق‌ها تفاوت دارد که با ایجاد یک پایگاه داده مناسب در حوزه مصارف هزینه‌ای بودجه، و تملک دارایی‌های سرمایه، زمینه انجام پژوهش‌های بیشتر، بر روی بازدهی بودجه اختصاص یافته به هریک از امور را فراهم می‌نماید.

۴. روش‌شناسی و روش تحقیق

در این بخش، تأثیر چهار امر تعدیل‌شده اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی (اقتصادی، سلامت، آموزش و رفاهی)، بر رشد اقتصادی و ضریب جینی استانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی هرچه بهتر، از متغیر اعتبارات بانکی، مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، برای توضیح دهندگی بیشتر مدل، استفاده شده است. برای تصریح بهتر مدل نیز، از متغیرهای کنترل نیز استفاده شده است که در ادامه، به تفصیل توضیح داده می‌شود. باتوجه به مطالعات انجام‌شده در حوزه تأثیر مخارج دولت، بر روی شاخص‌های کلان اقتصادی، به‌خصوص نظریه معروف کینز و همچنین مطالعات داخلی (محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱) در حوزه مخارج دولت و بودجه، در این مطالعه سعی شده است که تأثیر چهار امر بودجه‌ای (اقتصادی، رفاهی، آموزشی و سلامت)، که بیشترین سهم را به‌طور میانگین از بودجه عمومی دولت به خود اختصاص داده‌اند، در مدل تصریح گردید. یکی از مهم‌ترین نکاتی که باعث شد دو متغیر سلامت و آموزش، علاوه بر سهم بالا از مخارج دولت در بودجه، وارد مدل شوند، به دلیل مطالعات انجام‌شده به وسیله آمارتیا سن^۱، شومپتر و لوکاس بود که نشان می‌دادند، پرداختن به مباحث سلامت و آموزش، از طریق تأثیرگذاری بر روی نیروی کار، می‌تواند زمینه رشد مناسب اقتصادی و توزیع بهینه درآمد را فراهم کند. یکی دیگر از متغیرهایی که در الگو تصریح شده است، اعتبارات بانکی به تفکیک استانی است. در این حوزه، مطالعات متعددی انجام شده است که به بررسی اثر تسهیلات اعطایی بانک‌ها و نقدینگی در دسترس، بر روی شاخص‌های کلان اقتصادی پرداخته‌اند (ایزدخواستی، ۱۳۹۷). بحث تجارت و تأثیر آن بر روی متغیرهای کلان اقتصادی نیز، یکی دیگر از مباحث مناقشه‌برانگیز در محافل اقتصادی است که در زمره آن، می‌توان به پژوهش معروف ریکاردو^۲ و بیان نظریه نسبی، بالدوین (۲۰۰۶) و مطالعات داخلی (طیبی و همکاران، ۱۳۹۲؛ یوسفی و محمدی، ۱۳۹۲) اشاره کرد که به تأثیر باز بودن اقتصاد و تأثیر آن بر شاخص‌های کلان اقتصادی پرداخته‌اند. مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم نیز، از جمله متغیرهایی است که مورد توجه قرار گرفته است. سیاست‌های مالیاتی و اثر آن بر اقتصاد، یکی از موضوعاتی بوده است که در داخل و خارج از کشور، تحقیقات بسیار زیادی بر روی آن

1. Amartya Sen

2. Richardo

انجام شده است. در این رابطه می‌توان به رومر (۲۰۰۶) و صمیمی (۱۳۹۱) اشاره نمود.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش با استفاده از داده‌های ترکیبی، تأثیر چهار امور (اقتصادی، آموزشی، سلامت و رفاهی) اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، به همراه اعتبارات بانکی، به تفکیک استانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا با کمک از متغیرهای کنترلی، بر روی نرخ رشد اقتصادی و ضریب جینی استانی بخش‌های مختلف اقتصادی مبتنی بر الگوی پیشنهادی، برای هر یک از امور چهارگانه، اثر آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در مدل آورده شده، تمامی مصارف چهار امور هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، برحسب شاخص قیمت سال ۱۳۹۵، تعدیل شده است.

$$\begin{aligned} \text{GROWTH}_{it} = & \alpha_i + \beta_1 \text{SALAMAT}_{it} + \beta_2 \text{EGHTESADI}_{it} + \beta_3 \text{AMOOZESHI}_{it} + \\ & \beta_4 \text{REFAHI}_{it} + \gamma \text{GINI INDEX}_{it} + \gamma \text{BARJAM}_{it} + \gamma \text{TASHILAT}_{it} + \\ & \gamma \text{TAX.DIRECT}_{it} + \gamma \text{TAX.INDIRECT}_{it} + \gamma \text{POPULATION}_{it} + u_t + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

$$\text{GINI INDEX}_{it} =$$

$$\begin{aligned} & \alpha_i + \beta_1 \text{SALAMAT}_{it} + \beta_2 \text{EGHTESADI}_{it} + \beta_3 \text{AMOOZESHI}_{it} + \\ & \beta_4 \text{REFAHI}_{it} + \gamma \text{GROWTH}_{it} + \gamma \text{BARJAM}_{it} + \gamma \text{TASHILAT}_{it} + \\ & \gamma \text{TAX.DIRECT}_{it} + \gamma \text{TAX.INDIRECT}_{it} + \gamma \text{POPULATION}_{it} + u_t + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

GROWTH_{it} در مدل اول نشان‌دهنده رشد اقتصادی و متغیر وابسته است. متغیرهای توضیحی شامل، SALAMAT_{it} مصارف امور سلامت، AMOOZESHI_{it} امور آموزش و پژوهش، REFAHI_{it} امور رفاهی و EGHTESADI_{it} امور اقتصادی است. متغیرهای GINI INDEX_{it} و BARJAM_{it} که بیانگر ضریب جینی و توافق برجام است، در کنار متغیرهای TASHILAT_{it} که بیانگر تسهیلات اعطایی، TAX.DIRECT_{it} و TAX.INDIRECT_{it} که به ترتیب، بیانگر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم استانی است، همراه با POPULATION_{it} که نشان‌دهنده جمعیت هر استان است، به عنوان متغیر کنترل استفاده می‌شوند. مدل دوم نیز، مانند مدل اول است، اما با این تفاوت که در مدل دوم، جای متغیرهای رشد اقتصادی و ضریب

جینی تغییر می‌کند و در مدل دوم، ضریب جینی در نقش متغیر وابسته و رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر کنترل وارد مدل می‌شود. α_i نشانگر تأثیر تفاوت‌های فردی و گروهی^۱ است. درواقع α_i بیانگر اثر تمامی عواملی است که به‌صورت مقطعی بر رشد اقتصادی در مدل اول و ضریب جینی در مدل دوم تأثیر می‌گذارند. β و γ ضرایبی هستند که باید برآورد شوند. u_i نشانگر اثر ثابت زمان^۲ است که کنترل‌کننده اثرات متغیرهایی است که در طول زمان، بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند و ε_{it} جزء تصادفی^۳ مدل را نشان می‌دهد.

۱.۵. تخمین و تجزیه و تحلیل

قبل از برآورد الگو، ابتدا، پیش‌آزمون‌های الگوی پانل در جدول ۱ ارائه می‌گردد. همان‌طوری که مشاهده می‌گردد، براساس آزمون لیمر، الگوی داده‌های پانل و براساس آزمون هاسمن، الگوی اثرات ثابت مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۱: آزمون‌های الگوی پانل

آزمون	آماره
لیمر	۸۲/۹۵۹(۰/۰۰۰)
هاسمن	۹۴/۲۳۰(۰/۰۰۰)

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل‌شده، در چهار مدل خلاصه شده است. مدل اول که در جدول ۲ بیان شده است، بیانگر مصارف تعدیل‌شده چهار امر اقتصادی، سلامت، آموزشی و رفاهی اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، همراه با اثرات ثابت زمان است. در مدل دوم، چهار امر اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، بدون اثرات ثابت زمان برآورد شده است که همراه با متغیرهای کنترل آورده شده‌اند. در مدل سوم و چهارم، از بخش اعتبارات هزینه‌ای همراه با متغیرهای کنترل استفاده شده است که در مدل سوم، اثرات ثابت به‌کار گرفته شده است. در جداول ۲ و ۳ نتایج برآوردشده از اثر چهار مدل مختلف مصارف هزینه‌ای و عمرانی، بر روی رشد اقتصادی و ضریب جینی آورده شده است.

-
1. Individual Fixed Effect
 2. Time Fixed Effect
 3. Random Error Term

جدول ۲: تأثیر چهار امر بودجه همراه با متغیرهای کنترل بر رشد اقتصادی با استفاده از مدل اثرات ثابت

رشد اقتصادی						
مدل ۱ اعتبارات تملک		مدل ۲ اعتبارات تملک		مدل ۳ اعتبارات هزینه‌ای		مدل ۴ اعتبارات هزینه‌ای
آموزش و پژوهش	۰/۰۲۴ (۰/۰۳)	۰/۰۳۵ (۰/۰۳)		- ۰/۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۳)		- ۰/۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۳)
سلامت	۰/۳۱ (۰/۰۷)	۰/۰۳۰ (۰/۰۶)	** *	- ۰/۰۰۰۲ (۰/۰۰۰۹)		- ۰/۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۱)
رفاه اجتماعی	- ۰/۰۳ (۰/۰۸)	۰/۰۵ (۰/۰۷)		۰/۰۰۰۴ (۰/۰۰۰۲)		۰/۰۰۱ (۰/۰۰۰۲)
اقتصادی	- ۰/۰۲ (۰/۰۰۶)	- ۰/۰۲ (۰/۰۰۶)	** *	- ۰/۰۰۱ (۰/۰۰۰۴)		۰/۰۰۰۸ (۰/۰۰۰۴)
تسهیلات	۰/۰۱ (۰/۰۱)	۰/۰۱۲ (۰/۰۱)		- ۰/۰۰۰۷ (۰/۰۰۰۱)		۰/۰۰۰۲ (۰/۰۰۱)
مالیات غیرمستقیم	۰/۱۲ (۰/۲۰)	- ۰/۱۱ (۰/۱۰)		- ۰/۰۱۶ (۰/۰۲)		- ۰/۰۴ (۰/۱۲)
مالیات مستقیم	۰/۲۹ (۰/۶۵)	۰/۲۴ (۰/۶۱)		- ۰/۰۴ (۰/۲۰)		- ۰/۱۳ (۰/۰۷)
جمعیت	۰/۰۰۱ (۰/۰۰۰۱)	۰/۰۰۱ (۰/۰۰۰۱)	** *	- ۰/۰۰۰۰۳ (۰/۰۰۰۰۹)		۰/۰۰۰۰۹ (۰/۰۰۰۰۹)
ضریب جینی	۰/۲۴ (۳/۸۲)	۱/۴۳ (۲/۸۰)		۰/۴۴ (۰/۳۶)		۰/۶۸ (۰/۳۲)
برجام	۰/۴۲ (۰/۵۰)	- ۰/۰۹۱ (۰/۱۷)		- ۰/۰۲۲ (۰/۰۶)		- ۰/۰۱۲ (۰/۰۲)
اثرات ثابت زمان	بله	خیر		بله		خیر
درجه آزادی	۱۹۳	۱۹۹		۱۹۴		۲۰۰
تعداد مشاهده	۲۳۹	۲۳۹		۲۴۰		۲۴۰
R^2	۰/۳۲	۰/۳۳		۰/۲۸		۰/۱۲

ستاره‌ها، نشانگر معناداری ضرایب در ۵ درصد (*)، ۱ درصد (***) و ۰,۱ درصد (****) هستند.

جدول ۳: تأثیر چهار امر بودجه همراه با متغیرهای کنترل، بر ضریب جینی، با استفاده از مدل اثرات ثابت

ضریب جینی							
مدل ۱ اعتبارات تملک		مدل ۲ اعتبارات تملک		مدل ۳ اعتبارات هزینه‌ای		مدل ۴ اعتبارات هزینه‌ای	
آموزش و پژوهش	- ۰/۰۰۰۶ (۰/۰۰۶)	۰/۰۰۰۷ (۰/۰۰۰۷)		- ۰/۰۰۰۰۷ (۰/۰۰۰۰۶)		- ۰/۰۰۰۰۳ (۰/۰۰۰۰۷)	
سلامت	- ۰/۰۰۰۳ (۰/۰۰۰۱)	- ۰/۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۱)		۰/۰۰۰۰۴ (۰/۰۰۰۰۱)		- ۰/۰۰۰۰۲ (۰/۰۰۰۰۲)	
رفاه اجتماعی	۰/۰۰۰۰۵ (۰/۰۰۰۰۱)	۰/۰۰۰۰۲ (۰/۰۰۰۰۲)		- ۰/۰۰۰۰۶ (۰/۰۰۰۰۴)	*	۰/۰۰۰۰۹ (۰/۰۰۰۰۴)	*
اقتصادی	۰/۰۰۰۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۰۰۱)	۰/۰۰۰۰۰۲ (۰/۰۰۰۰۰۱)		- ۰/۰۰۰۰۰۳ (۰/۰۰۰۰۰۹)		۰/۰۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۰۰۹)	
تسهیلات	۰/۰۰۰۰۰۰۵ (۰/۰۰۰۰۰۳)	- ۰/۰۰۰۰۰۰۷ (۰/۰۰۰۰۰۳)		۰/۰۰۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۰۰۳)		۰/۰۰۰۰۰۰۲ (۰/۰۰۰۰۰۳)	
مالیات غیرمستقیم	- ۰/۰۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۰۴)	۰/۰۰۰۰۵ (۰/۰۰۰۰۲)	*	- ۰/۰۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۰۴)		۰/۰۰۰۰۵ (۰/۰۰۰۰۲)	*
مالیات مستقیم	۰/۰۰۰۰۱۶ (۰/۰۰۰۰۱۳)	۰/۰۰۰۰۲۱ (۰/۰۰۰۰۱۵)		۰/۰۰۰۰۲۴ (۰/۰۰۰۰۱۳)		۰/۰۰۰۰۲۳ (۰/۰۰۰۰۱۵)	
جمعیت	- ۰/۰۰۰۰۰۰۰۳ (۰/۰۰۰۰۰۰۰۳)	- ۰/۰۰۰۰۰۰۰۴ (۰/۰۰۰۰۰۰۰۳)		۰/۰۰۰۰۰۰۰۲ (۰/۰۰۰۰۰۰۰۱)		۰/۰۰۰۰۰۰۰۱ (۰/۰۰۰۰۰۰۰۲)	
رشد اقتصادی	۰/۰۰۰۰۰۷ (۰/۰۰۰۰۰۱)	۰/۰۰۰۰۰۹ (۰/۰۰۰۰۰۱)		۰/۰۰۰۰۱۷ (۰/۰۰۰۰۰۱)		۰/۰۰۰۰۳۲ (۰/۰۰۰۰۰۱)	*
برجام	- ۰/۰۰۰۰۶۷ (۰/۰۰۰۰۱۰)	- ۰/۰۰۰۰۲۰ (۰/۰۰۰۰۰۴)	***	- ۰/۰۰۰۰۷۳ (۰/۰۰۰۰۰۱)	***	- ۰/۰۰۰۰۲۰ (۰/۰۰۰۰۰۴)	** *
اثرات ثابت زمان	بله	خیر		بله		خیر	
درجه آزادی	۱۹۳	۱۹۹		۱۹۴		۲۰۳	
تعداد مشاهده	۲۳۹	۲۳۹		۲۴۰		۲۴۰	
R^2	۰/۵۱	۰/۳۰		۰/۵۱		۰/۲۶	

ستاره‌ها، نشانگر معناداری ضرایب در ۵ درصد (*)، ۱ درصد (***) و ۰/۱ درصد (****) هستند.

نتایج حاصل از جداول ۲ و ۳، نشان می‌دهد که مصارف سلامت در بخش مصارف عمرانی، در مدل با اثرات زمان و بدون اثرات زمان، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی دارد. به‌نحوی که افزایش یک واحدی (میلیارد ریال) مصارف امور سلامت در بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، سبب رشد $0/31$ درصدی اقتصادی، در مدل همراه با اثرات زمان، و رشد $0/30$ درصدی اقتصادی، در مدل بدون اثرات زمان می‌شود. مخارج امور اقتصادی بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیز، در ۲ مدل همراه با اثرات زمان و هم بدون اثرات ثابت زمان، تأثیر معناداری بر روی رشد اقتصادی دارد. به‌نحوی که افزایش یک واحدی (میلیارد ریال) امور اقتصادی بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، سبب کاهش $0/02$ درصدی مخارج عمرانی، در ۲ مدل اثرات ثابت زمان و بدون اثرات ثابت زمان می‌شود. یکی از دلایل تأثیر منفی مصارف عمرانی امور اقتصادی بر روی رشد اقتصادی، در سال‌های اخیر، این بوده است که در سال‌های اخیر، میزان رشد سرمایه در کشور بسیار پایین بوده است و دولت در بعضی از سال‌ها، به کمک درآمدهای نفتی، توانسته است که رشد اقتصادی را مثبت نگه دارد. این در حالی است که در سال‌های اخیر، به‌گواه اکثر داده‌ها، کشور با فرار سرمایه روبه‌رو بوده است. یکی از نتایج قابل توجه، به تأثیر مصارف بخش هزینه‌ای بر روی رشد اقتصادی برمی‌گردد. نتایج حاکی از تأثیر مصارف هزینه‌ای، در دو مدل اثرات ثابت زمان و بدون اثرات ثابت زمان، نشان می‌دهد که مصارف هزینه‌ای، در مدل همراه با اثرات ثابت زمان، هیچ تأثیر بر روی رشد اقتصادی ندارد. در مدل بدون اثرات ثابت زمان نیز، شاهد آن هستیم که سه متغیر ضریب جینی، جمعیت و امور اقتصادی مصارف هزینه‌ای، تأثیر مثبت و مالیات غیرمستقیم، مطابق انتظار، تأثیر منفی بر روی رشد اقتصادی گذاشته است. می‌توان نتیجه گرفت، باتوجه‌به اینکه حقوق و دستمزد سهم بسیار بالایی از مصارف هزینه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و همین امر، سبب کشتش بسیار پایین این بخش شده است، ضروری خواهد بود که دولت، با افزایش چابکی و کارایی این بخش، راه‌کارهای مؤثری در نظر بگیرد. همچنین، می‌توان به مطالعه گیلور و تزیدان^۱ (۱۹۹۷) اشاره نمود. اثر نابرابری درآمدی بر رشد اقتصادی را باتوجه‌به دو تئوری عوامل بیرونی محلی محیط خانوادگی و عوامل بیرونی جهانی تکنولوژی، مثبت ارزیابی کردند. تئوری عوامل

1. Galor & Tsiddon

بیرونی محلی محیط خانوادگی، که به وسیله بکر و تومز^۱ (۱۹۸۶) بیان شد، بیانگر آن است که سطح سرمایه انسانی افراد، تابعی فزاینده از سطح سرمایه انسانی والدین است و توانایی در تئوری عوامل بیرونی جهانی تکنولوژی است. شولتز^۲ (۱۹۷۵) معتقد است رفتار افراد در تطبیق با تغییرات محیط اقتصادی، با سطح سرمایه انسانی، رابطه مثبتی دارد. از نظر گیلور و تزیدان توزیع سرمایه انسانی در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، به دلیل عوامل بیرونی محلی محیط توزیع درآمد در جامعه، قطبی خواهد شد و نابرابری درآمدی خانوار عامل غالب است و در نتیجه، نابرابری افزایش خواهد یافت. در مرحله بلوغ اقتصادی، عوامل بیرونی جهانی تکنولوژی، عامل غالب می‌گردد و توزیع درآمد بهبود خواهد یافت. زیرا تحرک و تمرکز کارگران ماهر، در بخش‌های پیشرفته تکنولوژی افزایش یافته است و باعث رشد اقتصادی خواهد شد.

در چهار مدلی که برای ضریب جینی در جدول ۳ به کار رفته است، در بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای همراه با اثرات ثابت زمان، نتایج نشان می‌دهد که افزایش مصارف سلامت، باعث کاهش فاصله طبقاتی می‌شود. به نحوی که یک واحد (میلیارد ریال) افزایش مخارج امور سلامت در بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، همراه با اثرات ثابت زمان، باعث کاهش ۰/۰۰۳ درصدی ضریب جینی می‌شود که همین امر، به بهبود فاصله طبقاتی در کشور کمک می‌کند. در مدل دوم که برای بررسی تأثیر مصارف امور عمرانی بر روی ضریب جینی است، نتایج نشان می‌دهد که متغیر کنترل برجام، تأثیر معناداری بر روی ضریب جینی داشته است. نتایج حاصل از این بخش نشان می‌دهد که برجام توانسته است، تا حدودی، سبب کاهش فاصله طبقاتی شود. یکی از مهم‌ترین دلایل این نتایج، به گواه کارشناسان، این است که به دلیل کاهش قیمت ارز، افزایش واردات و همچنین کاهش انتظارات تورمی مردم، که بعد از توافق برجام رخ داد، ضریب جینی، در آن بازه زمانی، روند کاهش داشته است. یکی از نتایج جالب این مقاله، به تأثیر منفی مصارف هزینه‌ای امور رفاه اجتماعی، بر روی ضریب جینی می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که افزایش یک واحدی (میلیارد ریال) مخارج هزینه‌ای امور رفاهی، در مدل همراه با اثرات ثابت زمان، سبب

1. Becker & Tomes

2. Schultz

کاهش ۰/۰۰۰۶ درصدی ضریب جینی می‌شود که این امر، به کاهش فاصله طبقاتی در کشور کمک می‌کند. مهم‌ترین دلیلی که سبب بروز این نتیجه شده است، ناشی از ماهیت برنامه‌های امور رفاهی است. اکثر برنامه‌های موجود در مصارف هزینه‌ای امور رفاهی، به باز توزیع درآمد در کشور بازمی‌گردد که همین، سبب کاهش ضریب جینی در کشور شده است. متغیر کنترل برجام در مدل تأثیر امور هزینه‌ای بر روی ضریب جینی، مانند مدل دوم، تأثیر مثبتی دارد. به‌نحوی که نتایج حاصل از این مدل نشان می‌دهد که برجام، سبب کاهش ضریب جینی در کشور شده است. نتایج نشان می‌دهد که مالیات غیرمستقیم، در دو مدل تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مصارف هزینه‌ای بدون اثرات ثابت زمان، سبب افزایش ضریب جینی می‌شود. به عبارتی، وضع مالیات‌های غیرمستقیم، باعث افزایش فاصله طبقاتی شده است که با نتایج پژوهش صمیمی (۱۳۹۱)، درمورد تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد انطباق دارد.

متغیر جمعیت استانی که در مدل‌ها به‌کار گرفته شده است، اثر معنادار و مثبتی را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد که این نتیجه با پژوهش‌هایی که در گذشته به‌وسیله محققان انجام شده است و نیروی انسانی را یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد نشان می‌دهند، همخوانی دارد.

یکی از نکاتی که در بررسی مدل‌های اقتصادسنجی، همواره، باید موردبررسی قرار بگیرد، میزان معناداری مدل است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مدل برآوردشده برای تأثیر متغیرهای مخارج امور عمرانی و هزینه‌ای بر روی ضریب جینی، همراه با اثرات ثابت زمان با معناداری ۵۱ درصد از بالاترین میزان معناداری نسبت به سایر مدل‌ها برخوردار است.

عدم وجود تأثیر معنادار تسهیلات بانکی نیز از نتایج جالب این مقاله است. یکی از دلایل بروز چنین نتایجی می‌تواند به وجود تسهیلات تکلیفی و رانتی در سیستم بانکی کشور برگردد. به گواه بسیاری از کارشناسان فعال در حوزه سیستم پولی و بانکی کشور، بیشتر تسهیلات اعطایی به‌وسیله بانک‌های کشور، بدون در نظر گرفتن فرصت‌های اقتصادی، به‌صورت تکلیفی اعطا می‌شود که همین امر سبب بروز رانت‌های بسیار زیادی در این حوزه شده است که مهم‌ترین نتیجه آن، فقدان رابطه مؤثر، بین تسهیلات اعطایی و رشد اقتصادی در کشور است.

۶. جمع‌بندی (نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی)

باتوجه به مقاله حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که با مرور زمان، به‌خصوص در فواصلی که اقتصاد ایران با شوک‌های بیرونی مواجه بوده است، هزینه‌های صورت‌گرفته در بخش استانی بودجه (اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) کاهش یافته است. داده‌ها نشان می‌دهد که نسبت بالایی از مصارف هزینه‌ای بودجه، به‌خصوص در بخش رفاهی و اقتصادی، از جنس حقوق و یارانه‌های رفاهی است. در نتیجه، در زمان‌هایی که اقتصاد ایران وارد تلاطم می‌شود یا با شوک‌های بیرونی روبه‌رو می‌شود، شاهد افزایش شدید سهم مصارف هزینه‌ای بودجه، نسبت به مصارف عمرانی در بودجه هستیم. همین موضوع، یکی از عوامل عمده‌ای است که باعث شده است، امور رفاهی در بخش اعتبارات هزینه‌ای بودجه، سهمیه بزرگی را به خود اختصاص دهد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که توافق برجام توانسته است از طریق انتظارات تورمی، تأثیر مثبتی بر روی ضریب جینی و به‌دنبال آن، فاصله طبقاتی بگذارد که یکی از دلایل مهم آن، کاهش نرخ ارز به‌دنبال توافق برجام بوده است. نتایج نشان می‌دهد که امور رفاهی مصارف هزینه‌ای توانسته است تا حدودی، به ضریب جینی و فاصله طبقاتی کمک کند که باتوجه به ماهیت برنامه‌های این بخش از بودجه، که بیشتر از جنس سیاست‌های باز توزیعی، کمک‌های معیشتی و حقوق و دستمزد است، امری طبیعی به نظر می‌رسد.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، نتایج بیانگر این نکته است که مصارف عمرانی بودجه، تأثیرگذاری بیشتری نسبت به اعتبارات هزینه‌ای بر رشد اقتصادی دارد. داده‌ها نشان می‌دهد که اختصاص بودجه بیشتر به امور سلامت در بخش مصارف عمرانی می‌تواند، باعث بهبود رشد اقتصادی در کشور شود. نتایج حاصل‌شده با یافته‌های پژوهشگران مشهور توسعه، مانند آمارتیا سن، که توجه به مسائل زیربنایی، مانند آموزش و سلامت را لازمه رشد اقتصادی می‌داند، همخوانی دارد. یکی از نکات جالب توجه این مطالعه، تأثیر منفی امور اقتصادی مصارف عمرانی، بر روی رشد اقتصادی است. همان‌طور که اشاره شد، بودجه به دو بخش استانی و ملی (متمرکز) طبقه‌بندی می‌شود. از آنجایی که اکثر پروژه‌های اصلی کشور، که ماهیت زیربنایی و زیرساختی دارد، در بخش امور اقتصادی مصارف عمرانی ملی قرار می‌گیرد، در نتیجه، همین موضوع، یکی از دلایل تأثیرگذاری منفی امور اقتصادی استانی، در بخش

مصارف عمرانی، بر رشد اقتصادی بوده است. ذکر این نکته ضروری است که کاهش شدید اعتبارات عمرانی، به خصوص در بخش استانی نیز، در این مورد بی‌تأثیر نبوده است.

باتوجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای سیاستی زیر ارائه می‌گردد:

۱. سهم مصارف عمرانی بودجه، نسبت به مخارج هزینه‌ای بودجه افزایش پیدا کند. با در نظر گرفتن برنامه‌های موجود در بخش مصارف عمرانی بودجه، رشد سهم سالیانه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، به گواه کارشناسان، باعث افزایش میزان سرمایه‌گذاری در کشور و به موجب آن، رشد اقتصادی خواهد شد.

۲. توجه به مطالعات انجام‌شده در بخش آمایش سرزمینی باید، یکی از اصلی‌ترین ارکان تصمیم‌گیری در بودجه‌ریزی کشور باشد. بی‌توجهی به این مطالعات در سال‌های اخیر، سبب شده است که اعتبارات تخصیص‌یافته، متناسب با منابع و استعدادهای موجود در هر شهر نباشد.

۳. مهم‌ترین نکته‌ای که در بودجه‌ریزی باید موردتوجه قرار بگیرد و متأسفانه در سال‌های اخیر نادیده گرفته شده است، موضوع شفافیت در بودجه و مجاری دخل و خرج دولت است، به نحوی که متأسفانه داده‌های کنترل تخصیص بودجه که نشانگر مصارف نهایی دولت است، با نسبت بالایی، با قانون بودجه تصویب‌شده دولت در مجلس تفاوت دارد.

۴. در پایان ذکر این نکته ضروری است که باتوجه به نتایج نمایان شده در پژوهش، این فرضیه تأیید می‌شود که سیستم بودجه‌ریزی در کشور، متناسب با اسناد بالادستی نیست و برنامه‌ها، از هر سال به سال دیگر و از هر دولت به دولت دیگر تغییر می‌کند. بنابراین، باتوجه به آنکه سلطه مالی دولت، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی ایران در سال‌های اخیر بوده است، توصیه می‌شود تا با به کارگیری بودجه‌ریزی بر مبنای برنامه یا مبتنی بر صفر، علاوه بر منعطف‌سازی بخش اعتبارات هزینه‌ای، تخصیص اعتبارات در هریک از امور بودجه‌ای، متناسب با اهداف بالادستی کشور باشد تا شاهد کسری بودجه‌های شدید و هدر رفتن منابع نباشیم.

منابع

- ابونوری، اسمعیل؛ خوشکار، آرش و داودی، پدram (۱۳۹۲). «تجزیه ضریب جینی در ایران برحسب مناطق شهری و روستایی». *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۸، شماره ۳: ۱-۱۲.
- آذر، عادل و امیرخانی، طیبه (۱۳۹۵). «سیاه‌چاله بودجه در نظام بودجه‌ریزی ایران». *مدیریت دولتی*، دوره ۸، شماره ۴: ۵۷۱-۵۹۰.
- استا، سهراب و باباجانی، جعفر (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی بودجه‌بندی عملکرد در ایران و کشورهای توسعه‌یافته (مطالعه موردی: کشور کانادا)». *حسابداری دولتی*، دوره ۲، شماره ۳، ۷-۱۶.
- امین رشتی، ناریس و اصغری، لیلا (۱۳۹۰). «بررسی نقش هزینه‌های سلامت بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه علوم اقتصادی*، شماره: ۳۵-۱۵۹.
- امینی، علیرضا و فرهادی‌کیا، علیرضا (۱۳۹۵). «برآورد توابع اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی ایران و پیش‌بینی اشتغال در برنامه ششم توسعه». *فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*، دوره ۲۱، شماره ۴، ۶۱-۱۰۰.
- ایزدخواستی، حجت؛ عرب مازار، عباس و خواجه، علیرضا (۱۳۹۸). «تحلیل اثرات اصلاح مالیات‌های زیست‌محیطی و ساختار مخارج دولت بر رشد اقتصادی و رفاه». *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۵۴، شماره ۴، ۸۲۱-۸۴۶.
- بابازاده، محمد؛ قوبدل، صالح و عموزاد خلیلی، حسن (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش تجارت خارجی، مطالعه موردی ایران بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸». *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، دوره ۱، شماره ۲، مهر ۱۳۸۹، ۱۶۱-۱۸۶.
- پروین، سهیلا و قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۵). «آثار توزیعی مالیات در ایران». *مجله اقتصاد*، دانشکده اقتصاد شهید بهشتی، شماره ۱۵.
- تقوی، مهدی و رضایی، ابراهیم (۱۳۸۳). «بررسی سیاست‌های مالی بر مصرف و اشتغال در اقتصاد ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۴ (پیاپی ۱۵)، ۱۰۹-۱۳۲.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۹۱). *اقتصاد بخش عمومی* ۱، سمت، تهران، ۱۳۹۱.
- حسینی، ابراهیم و رضاقلی، مهدیه (۱۳۸۹). «بررسی ریشه‌های مالی تورم در ایران (با تأکید بر کسری بودجه)». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، دوره ۱۰، شماره ۱، ۴۳-۷۰.
- حقیقت، جعفر، و محرم جودی، نازیلا (۱۳۹۵). «تأثیر شوک مخارج دولتی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ایران: رهیافت ARDL». *مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۰ [۴ (پیاپی ۳۶)]. ۱۴۱-۱۶۶.
- درگاه ملی آمار: <https://www.amar.org.ir>
- دهم‌ده قلع‌هنو، نظر؛ شهیکی تاش، مهیم و صفدری، مهدی (۱۳۸۹)، «تأثیر شاخص‌های کلان بر توزیع درآمد در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۶)»، *پژوهشنامه بازرگانی*، سال چهاردهم، بهار ۱۳۸۹، دوره ۱۴، شماره ۵۴: ۵۵-۲۵.

- روستا، ایمان؛ میزاحمدی، سعید؛ مهرگان، نادر و اسکندری کیا، محمدرضا (۱۳۹۵). «تأثیر مالیات غیرمستقیم بر توزیع درآمد در ایران». *فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)*، شماره ۱۱: ۱۳۲-۱۰۷.
- زارع، بیژن (۱۴۰۰). «بررسی و نقد کتاب آموزش توسعه: مباحث نوین در اقتصاد آموزش». *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، شماره ۴: ۲۶۳-۲۸۳.
- زاینده‌رودی، محسن (۱۳۸۰)، «بررسی تأثیر مالیات (درآمد و نیروی کار) روی عرضه نیروی کار»، *نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، بهار و تابستان ۱۳۸۰، دوره ۳، شماره ۸: ۵۸-۴۳.
- سبحانیان، سید محمد هادی؛ معاریان، محمد حسین و بحری، پوریا (۱۳۹۹). «واکاوی مالیات بر ارزش افزوده و اثرات آن بر رشد اقتصادی در ایران». *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳۲۵-۳۵۸.
- سردار شهرکی، علی؛ امیرزاده، سمیرا و اکبری، احمد (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران». *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، شماره ۲: ۴۴-۳۱.
- سعدی، محمدرضا؛ عریانی، بهاره؛ موسوی، میرحسین و نعمت‌پور، معصومه (۱۳۸۸). «تحلیل اثرات مخارج دولت بر رشد اقتصادی در چهارچوب مدل رشد بارو». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۳: ۱۴۵-۱۷۳.
- شریفی، نورالدین (۱۳۹۰). «اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم: یک تحلیل داده - ستانده». *نشریه تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۶، شماره ۹۵، ۷۸-۵۹.
- صمدی، علی حسین؛ حقیقت، علی و امین‌زاده، کاظم (۱۳۸۵). «تورم بهره‌وری و شکست ساختاری؛ شواهد تجربی از اقتصاد ایران ۱۳۳۸-۱۳۸۰». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۸ (۲۷): ۶۵-۸۷.
- طیپی سیدکمیل؛ پورشهابی، فرشید؛ خانی‌زاده امیری، مجتبی و کاظمی، الهام (۱۳۹۲). «اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ۱۰ کشور درحال توسعه آسیایی)». *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۳۹۲، ۲۱ (۶۷): ۱۳۱-۱۵۲.
- عباسیان، عزت‌الله، مرادپوراولادی، مهدی و هاشم بیگی، حجت‌الله (۱۳۸۵). «بررسی اثر عدم‌اطمینان مالیات‌ها بر اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۳». *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۱، شماره ۴، ۱۷۱-۱۹۶.
- فتحی آقا بابا، محسن؛ عزیزی، خسرو و محمودزاده، محمود (۱۳۹۹). «اثر تسهیلات بانکی بر رشد ارزش‌افزوده صنعت، خدمات، کشاورزی، ساختمان و مسکن». *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۵۰، شماره ۲، ۷۷-۱۰۲.

فتحی، یحیی و یوسفی، محمدقلی (۱۳۹۷). «بررسی اثرات باز بودن تجارت بر رشد ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای کشورهای ملحق به سازمان تجارت جهانی». فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶۹: ۱۰۵-۶۹.

فرح‌بخش، ندا و فرزین‌وش، اسدالله (۱۳۸۸). «اثر کسری بودجه بر کسری حساب جاری و رشد اقتصادی». مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۴، شماره ۳.

قانون بودجه، (۱۳۹۹).

<https://www.mporg.ir/FileSystem/View/File.aspx?FileId=0221cc15-82ad-41f2-a805-efc17357a4a9>

کهنسال، محمدرضا و حمیده‌پور، حمیده (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی با تأکید بر تجارت». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۳۴: ۱۱۵-۱۱۳۰.

گرایسی نژاد، غلامرضا؛ میرزایی، حسین و حاجی‌طاهری، مریم (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر هزینه‌های اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمدها در ایران». اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۵(۱۴): ۸۹-۱۱۵.

متوسلی، محمود؛ محمدزاده، پرویز و بهشتی، محمدباقر (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر شاخص‌های خلاقیت بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۱: ۲۲۶-۱۹۱.

مزینی، امیرحسین، (۱۳۹۸). «رشد فراگیر در استان‌های ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها». پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۱۹: ۷۱-۴۷.

محمودزاده، محمود و علمی، سیامک (۱۳۹۱). «نابرابری و رشد اقتصادی در استان‌های کشور». پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۰، شماره ۶۴: ۱۴۷-۱۳۱.

مهرآرا، محسن و محمدیان، مجتبی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصادسنجی بیزی». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۶۱: ۸۳-۱۱۶.

وفایی بکیانی، حبیب‌الله؛ مشهدی احمد، محمود و مهرآرا، محسن (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بودجه و رشد اقتصادی استان‌های کشور با لحاظ توزیع اعتبارات بین استانی». فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، شماره ۴: ۳۲-۹.

نورمحمدی، خسرو؛ عرب مازار، عباس؛ مهرگان، نادر و پرتویی، بامداد (۱۳۹۹). «تحلیل اثرگذاری مخارج دولت بر نابرابری درآمدی در استان‌های کشور». فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۴، شماره ۵۳: ۲۰-۱.

یحیی‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷). «افزایش درآمد‌های نفتی و جایگاه بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در ایجاد اشتغال ایران». همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت‌های شغلی، دوره ۱.

یوسفی، محمدقلی و محمدی، الهه. (۱۳۹۲). «تخمین کمی منابع رشد صنعتی در صنایع کارخانه‌ای ایران». پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۳، شماره ۵۰، پیاپی ۳: ۱۵-۱.

- Akinsola Foluso A. & Odhiambo Nicholas M., (2017). "Inflation and Economic Growth: a Review of The International Literature," *Comparative Economic Research*, Sciendo, vol. 20(3), pages 41-56, September.
- Baldwin, Richard E. and Frederic Robert-Nicoud (2006), "Trade and Growth with Heterogenous Firms", *NBER working paper* No. 12326, June 2006.
- Becker, Gary S., and Nigel Tomes (1986), Human Capital and the Rise and Fall of Families; *Journal of Labor Economics*, No. 4.
- Bhagwati, Jagdish (1998). The Capital Myth: The Difference Between Trade in Widgets and Trade in Dollars, *Foreign Affairs* 77: 7-12.
- Bokhari, F. A. S., Gai, Y., & Gottret, P. (2007). *Government health expenditures and health*. Wiley InterScience, 273(September 2006), 257–273. <https://doi.org/10.1002/heh>.
- Carol Litwin, (1998), Trade and Income Distribution in Developing Countries, No 9, Working Papers in Economics, University of Gothenburg, Departement of Economics.
- Creedy, J.(1985), Dynamics of Income Distribution, Basil Blackwell, Oxford.
- Diaz-Alejandro, C.F (1965), Exchange Rate Devaluation in a Semi-Industrialized Country: The Experience of Argentina 1955–1961, The MIT Press
- Dudzevičiūtė, G., Šimelytė, A. and Liučvaitienė, A. (2018), "Government expenditure and economic growth in the European Union countries", *International Journal of Social Economics*, Vol. 45 No. 2, pp. 372-386. <https://doi.org/10.1108/IJSE-12-2016-0365>.
- Dutton, D. J., Forest, P. G., Kneebone, R. D., & Zwicker, J. D. (2018). Effect of provincial spending on social services and health care on health outcomes in Canada: an observational longitudinal study. *Canadian Medical Association Journal*, 190(3), E66–E71. <https://doi.org/10.1503/cmaj.170132>.
- Galor, Oded and Daniel Tsiddon (1997), The Distribution of Human Capital and Economic Growth; *Journal of Economic Growth*, No. 2.
- Ghali, K. H. (1998). Government Size and Economic Growth: Evidence from a Multivariate Cointegration Analysis. *Applied Economics*, 31, 975–987.
- Gupta, Rajesh, The Impact of Government Expenditure on Economic Growth in Nepal (January 9, 2018). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3099218> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3099218>
- Iheanacho, E. (2016). "The Impact of Financial Development on Economic Growth in Nigeria: An ARDL Analysis," *Economies*, MDPI, vol. 4(4), pages 1-12, November.

- Iwegbunam, Ifeoma & Robinson, Zurika. (2019). Economic growth models and government expenditure in South Africa: A disaggregated impact analysis. *International Journal of Economics and Finance Studies*. 11. 33-48. 10.34109/ijefs.201911103.
- Jones, Ronald W.(2008), Technology and Income Distribution Issues in Trade Models (December 2008). CESifo Economic Studies, Vol. 54, Issue 4, pp. 551-562, 2008.
- Kakwani, N., Neri, M., & Son, H. (2010). Linkages between pro-poor growth, social programs and labor market: the recent Brazilian experience. *World Development*, 38, 881-894.
- Kakwani, N., & Pernia, E. M. (2000). What is pro-poor growth?. *Asian Development Review*, 18, 1-16.
- Kneebone, R., & Wilkins, M. (2016). Canadian provincial government budget data, 1980/81 to 2013/14. *Canadian Public Policy*, 42(1), 1–19. <https://doi.org/10.3138/cpp.2015-046>.
- Levine, R. and Renelt, D.,(1992). A sensivity analysis of cross- country growth regression, *American Economic Review*, 82, 492-63.
- Lucas, Robert E. (1988), On the Mechanics of Economic Development, *Journal of Monetary Economics*, 22, 3–42.
- Mankiw, NG, Romer, D and Weil, DN,(1992). A Contribution to the Empirics of Economic Growth, *The Quarterly Journal of Economics*, Volume 107, Issue 2, May 1992, Pages 407–437
- Muhammad, Shahbaz & Faridul, Islam & Muhammad Sabihuddin, Butt (2011). "Devaluation and income inequality: Evidence from Pakistan". MPRA Paper 35522, University Library of Munich, Germany, 1-16.
- Ram, R. (1986) Government Size and Economic Growth: A New Framework and Some Evidences from Cross-Sectional and Times Series Data. *American Economic Review*, 76, 191-203.
- Romer, P.M(1986), Increasing Returns and Long-Run Growth, *Journal of Political Economy*, Vol. 94, No. 5 (Oct.), pp. 1002-1037.
- Romer, Christina D., and David H. Romer.(2010) ,"The Macroeconomic Effects of Tax Changes: Estimates Based on a New Measure of Fiscal Shocks." *American Economic Review*, 100 (3): 763-801.
- Schultz, T.W. (1975), The Value of the Ability to Deal with Disequilibria, *Journal of Economic Literature*, No. 13.
- Spilimbergo, A et al(1999), Income distribution, factor endowments, and trade openness, *Journal of Development Economics*, Volume 59, Issue 1, June 1999, Pages 77-101.

The Impact of Budget Expenditures on Economic Growth and Income Distribution: A Provincial Analysis in Iran

Reza Mohseni^{*}

Hossin Samsami Mazrae Akhond^{**}

Shadnoosh ShikhSharafi^{***}

Received: 16 April 2023

Accepted: 19 December 2023

Vol.4, No.15, Autumn 2023

Abstract

The budget system in Iran has been one of the most controversial issues. The government budget is generally divided into two parts: revenues and expenditures, and its expenditures in the general government budget are divided into three parts: expenditure credits, acquisition of capital assets, and acquisition of financial assets. The two parts of expenditures and capital assets constitute more than 90% of the expenditures of the general government budget. The present study, using the model of estimating the fixed effects of the panel and using annual data (2008-2017), the impact of four items of expenditure credits and acquisition of capital assets (economic, welfare, education, and health) in different provinces on economic growth and provincial Gini coefficient is investigated. The most innovative feature of this study is the use of final budget

^{*} Assistant Professor, Member of Department of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: re_mohseni@sbu.ac.ir

^{**} Assistant Professor, Member of Department of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

^{***} M.A. in Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

expenditure data in the two sections of cost credits and acquisition of capital assets by province. The results show that the acquisition of capital assets, compared with expenditure credits, has a greater impact on economic growth. Welfare spending in the expenditure credit sector has helped to reduce the class gap, and also, contrary to the expectations of the JCPOA agreement, has not been able to improve the class gap in the country due to its lack of impact on employment.

Keywords: Expense Credits; Construction Credits; Gini Coefficient; Provincial Budget; Panel Data

JEL Classification: C51, R12